

آزمون بصیرت

استکبارستیزی

در بیان رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)

مذاکره با آمریکا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴.....	به جای مقدمه
۵.....	تمرکز دشمن بر از بین بردن خاصیت «ضد استکباری» انقلاب اسلامی
۷.....	حکومت‌های استکباری در قرآن
۷.....	شاخصه‌های رفتاری و اقدامات حکومت‌های استکباری
۸.....	مصدق استکبار در کلام ولایت
۱۰.....	چند خطای استراتژیک
۱۲.....	۱. زیر پا گذاشتن «اصل عدم مذاکره» و شکستن قبح مذاکره با آمریکا
۱۶.....	۲. باور «شعار تغییر» سردمداران آمریکا و بی توجهی به اقتضائات تغییر واقعی
۱۷.....	شاخصه‌های تغییر
۲۱.....	۳. عدول از «پیش شرط» به «چارچوب» برای مذاکره!
۲۳.....	۴. عقب‌نشینی از لزوم عذرخواهی آمریکا از اشتباهات گذشته در قبال ملت ایران
۲۶.....	۵. توهم رفع تهدید آمریکا و نادیده گرفتن دشمنی‌های آشکار آمریکا
۲۹.....	۶. کنار آمدن با «نظام سلطه» و قانع شدن به «بر عهده گرفتن نقشی در این نظام»
۳۰.....	۷. پذیرش تعریف کلاسیک مذاکره و بی توجهی به واقعیت‌های میدان
۳۳.....	۸. ... و در نهایت، کلید خوردن اولین پلان از سناریوی مذاکره!
۳۶.....	سوالاتی بی‌برده؛ پاسخ‌هایی صریح
	چرا موضوع مذاکره را تا این حد مهم می‌دانید و این قدر به آن گیر می‌دهید؟! این هم یک موضوع است مثل
۳۶.....	دیگر مسائل سیاسی!
۳۶.....	واقعاً چرا مذاکره و رابطه با آمریکا غلط است؟
۳۷.....	خوب، شاید تأمین منافع داخلی‌مان ارزش آن را داشته باشد که از برخی شعارها کوتاه بیایم!
۳۸.....	شاید نشان‌دادن تغییری در تاکتیک مبارزه و پذیرش مذاکره، آنها را از موضع دشمنی‌شان پایین آورد.
۳۸.....	حداقل فایده مذاکره، رفع تهدید و فشار قدرتی است که حرف اول را در نظام جهانی می‌زند!
۳۹.....	بالاخره ما که نمی‌توانیم قدرت جهانی آمریکا را نادیده بگیریم؛ تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی که تعارف نیست!
۳۹.....	شاید اصل عدم مذاکره، در شرایطی قابل نقض باشد؛ مثل ماجرای «صلح حدیبیه»!
۴۰.....	یعنی امکان ندارد یک روزی بیاید که مذاکره برای ما مفید باشد؟
	خوب، ممکن است این یک سیاست باشد که رهبر انقلاب در ظاهر با آمریکا ابراز دشمنی کند؛ اما در خفا به دکتر احمدی نژاد
۴۱.....	مأموریت داده باشند که این موضوع را پیگیری کنند.
۴۱.....	آخر مشکل آمریکا با ما چیست که نمی‌شود آن را با گفتگو حل کرد؟!
۴۲.....	مگر عدم مذاکره با آمریکا وحی مُنزل است که این قدر روی آن اصرار دارید؟!
۴۳.....	خوب؛ وظیفه مسؤلان در بحث رابطه و مذاکره روشن شد؛ آیا مردم و نخبگان هم در این راستا وظیفه‌ای دارند؟

به جای مقدمه

تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) بر ضرورت گسترش «بصیرت» در میان همه اقشار - از اعضای مجلس خبرگان گرفته تا جمع عمومی مردم چالوس - بیانگر تکلیف سنگین خواص در شرایط امروز جامعه است؛ مرور مجدد برخی از جملات معظم له در این خصوص، جالب توجه است:

ببینید برادران و خواهران عزیز! خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه می‌فرماید: بگو ای پیغمبر! من با بصیرت حرکت میکنم؛ «قل هذه سبیلی ادعوا الی اللّٰه علی بصیرة انا و من اتبعنی»^۱ خود پیغمبر با بصیرت حرکت می‌کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود... بصیرت یعنی اینکه بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.^۲

بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یک‌هوا به نفع دشمن می‌پراندند؛ به نفع جبهه‌ای که هم‌تشی نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدم‌های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر؛ بی‌بصیرتی است دیگر.^۳

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ»^۴ می‌دانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را می‌زد که

۱. یوسف: ۱۰۸

۲. دیدار با مردم چالوس در ورزشگاه شهدای هفتم تیر ۱۳۸۸/۷/۱۵

۳. دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۸/۵/۵

۴. آگاه باشید که این پرچم مبارزه را جز افراد با بصیرت و با استقامت دوش نمی‌کشند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)

دوست می‌زند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین می‌خواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - می‌خواندند. حالا شما باشید، چه کار می‌کنید؟ به شما می‌گویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما می‌گوئید: «با این نماز؛ با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی».^۵

به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان شاء الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم... باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛ آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.^۶

تصریح رهبر تیزبین انقلاب به این که برخی از کارهای نخبگان جامعه و جریانات سیاسی از روی بی‌بصیرتی است، ما را بر آن داشت تا یک بار دیگر به ردیابی عملکرد گذشته نخبگان سیاسی - البته از منظر بیانات غفلت‌شکن معظم له - بپردازیم. بدیهی است که این مجال اندک، تنها فرصتی محدود است برای پی‌جویی یکی از مصادیق بی‌بصیرتی، و ضرورت تلاش خواص و صاحب‌نظران در فهم و تشریح دیگر مصادیق این بحث، به قوت خود باقی است.

تمرکز دشمن بر از بین بردن خاصیت «ضد استکباری» انقلاب اسلامی

سال گذشته در اربعین سالار شهیدان، دیدار جمع پرشور مردم تبریز با رهبر معظم انقلاب را هنوز به یاد داریم؛ دیداری که به تبیین راهبرد امروزی دشمن در قبال نظام و تکلیف همگانی دفاع از انقلاب، در مقابل این هجمه اختصاص یافت؛

امروز ملت ما در مقابل خود یک جبهه‌ی گسترده‌ای را ملاحظه می‌کند که با همه‌ی توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری بیندازد. همه بدانند که امروز دشمنان نظام جمهوری اسلامی از برکندن این بنیان مستحکم، احساس عجز می‌کنند؛ سعی‌شان این است که به وسایل گوناگون، به دست خود کسانی که تو این انقلاب بودند و هستند، از این محتوا ذره ذره بکنند. جمهوری اسلامی، اسمش جمهوری اسلامی باشد، اسمش نظام انقلابی باشد، اما از محتوای اسلام، از محتوای انقلاب در آن خبری نباشد. اسم چه ارزشی دارد؟ محتوا لازم است؛ محتوا مهم است. وظیفه‌ی من، وظیفه‌ی شما، این است که از محتوای انقلابی، از اصول با ارزش انقلاب دفاع کنیم و نگذاریم این مبانی با ارزش و این ارزشهای والا نادیده گرفته بشود؛ این وظیفه‌ی ماست.^۷

تکرار همان مضمون در کمتر از ده ماه بعد - یعنی در دیدار اعضای مجلس خبرگان - در کنار تأکید بر

۵. دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر ۱۳۸۷/۵/۵

۶. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۷/۷/۲

۷. بیانات مهم رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در اربعین حسینی در جمع مردم تبریز ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

اهمیت موضوع، شاید نشان از کم توفیقی خواص در درک حساسیت موقعیت و پیگیری فرمان راهبردی آن «مقتدر مظلوم» نیز داشت؛

... مسئله‌ی چهارم - این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه‌گذاری می‌کند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسائی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست... منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می‌گویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟^۸

و این بار نیز انگشت اشاره بر روی خواص رفت؛ هم وظیفه‌ای که نسبت به خود دارند و هم تکلیفی که در قبال مخاطبان به عهده آنهاست؛

دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند؛ انواع و اقسام فعالیت را می‌کند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان شاء الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.^۹

۸. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

۹. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

حکومت‌های استکباری در قرآن

در کنار آیاتی که به تبیین مفهوم استکبار و نتایج استکبار در وجود آدمی و محیط اجتماعی انسان‌ها می‌پردازد، آیات مربوط به حکومت‌های استکباری هم‌عصر با پیامبران و شیوه تعامل رسولان الهی با آنان مبین ویژگی‌های حکومت‌های استکباری و شاخصه‌های رفتاری این نظام‌های حکومتی است.

حکومت استکباری فرعون و مبارزه بی‌امان حضرت موسی با آن، مقابله حضرت ابراهیم با دستگاه نمرودی، کارشکنی‌های حکومت قبایلی مشرکان مکه با دعوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حکومت اسلامی آن حضرت در مدینه و مبارزات فکری و جنگ‌های پیامبر با آنان زمینه مطالعه و استخراج این شاخصه‌ها را فراهم می‌آورد.

توجه ویژه قرآن به این موضوع، نه تنها پرده از اهمیت این بحث در معارف دینی ما بر می‌دارد، بلکه امکان تطبیق «شاخص‌های قرآنی حکومت استکباری» با مصادیق امروزی و دریافت تکلیف خود در تعامل با قدرت‌های امروزی را فراهم می‌سازد.

با بررسی آیات مرتبط با بحث استکبار - که بیش از ۲۰۰ آیه قرآن را به خود اختصاص داده است - ویژگی‌های زیر، به عنوان شاخصه‌های رفتاری و اقدامات حکومت‌های استکباری به دست می‌آید؛

شاخصه‌های رفتاری و اقدامات حکومت‌های استکباری

۱. پیمان شکنی (بی‌اعتنایی به تعهدات و قراردادهای)^{۱۰}
 ۲. به‌استضعاف کشیدن مردم^{۱۱}
 ۳. اجبار مخالفان به پذیرش حاکمیت خود؛^{۱۲}
- الف. تحقیر مخالفان^{۱۳}

۱۰. الاعراف: ۱۳۵ و ۱۳۴ / زخرف: ۵۰ و ۴۹

۱۱. زخرف: ۵۴ / قصص: ۴ / طه: ۷۹ / سبا: ۳۱ و ۳۲ و ۳۳

۱۲. غافر: ۲۵ / شعرا: ۲۹

- ب. تهدید مخالفان^{۱۴}
- ج. توطئه و تفرقه‌افکنی در بین مخالفان^{۱۵}
- د. آزار و اذیت مخالفان و قتل و کشتار آنان^{۱۶}
۴. به‌کارگیری زور و تسلط نظامی برای تحقق اهداف خود^{۱۷}
۵. فساد و ادعای اصلاح‌طلبی^{۱۸}
۶. گمراه کردن مردم از حق برای به اطاعت واداشتن آنان (تبلیغات و جنگ روانی)
- الف. تهمت و افترا به حق‌گویان و تمسخر آنان^{۱۹}
- ب. متهم کردن مخالفان به فساد^{۲۰}
- ج. منحرف‌ساختن افکار عمومی و اغوای مردم^{۲۱}
- د. تکیه بر ابزارهای قدرت‌نمایی مادی؛ همچون زینت و تجملات، ملک و دارایی، طبقه برتر اجتماعی و اعوان و یاران (نیروی انسانی) و به‌کارگیری دانشمندان (ابزار علمی)^{۲۲}
۷. تلاش برای گسترش سیطره خود و دخالت در امور دیگران^{۲۳}

مصدق استکبار در کلام ولایت

تصریحات مکرر امام راحل (قدس سره) و رهبر فرزانه انقلاب (مدظله العالی) به استکباری بودن حکومت امریکا، ما را در این بحث به اطمینان می‌رساند؛ بنگرید:

هان ای مسلمانان جهان! و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! پاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است. جهان باید بداند که ایران راه خدا را پیدا کرده است و تا قطع منافع آمریکای جهان‌خوار، این دشمن کینه‌توز مستضعفین جهان، با آن مبارزه‌ای آشتی‌ناپذیر دارد و حوادث ایران نه تنها ما را برای لحظه‌ای عقب نخواهد نشاند، که ملت ما را در نابودی منافع آن مصمم‌تر خواهد کرد. ما مبارزه سخت و بی‌امان خود را علیه آمریکا شروع کرده‌ایم و امیدواریم فرزندانمان با آزادی از زیر یوغ ستمکاران، پرچم توحید را در جهان بیافرازند. ما یقین داریم اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم، فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید.^{۲۴}

۱۳. زخرف: ۵۲ / حجر: ۶ / دخان: ۱۴ / قلم: ۵۱

۱۴. شعراء: ۴۶ تا ۴۹ / اعراف: ۱۲۳ و ۱۲۴ / یونس: ۸۳

۱۵. غافر: ۴۵ / انبیاء: ۷۰ / سبا: ۳۱ / انفال: ۳۰ / المدثر: ۱۸ تا ۲۵

۱۶. اعراف: ۱۴۱ / قصص: ۴ / بقره: ۴۹

۱۷. بقره: ۴۹ / یونس: ۹۰ / طه: ۷۷ و ۷۸

۱۸. غافر: ۲۶ و ۲۹ / قصص: ۳۷

۱۹. زخرف: ۴۶ و ۴۷ / اعراف: ۱۰۹ / یونس: ۷۸ / طه: ۶۳

۲۰. اعراف: ۱۲۷ و ۱۰۹ / طه: ۱۱۰ / طه: ۵۷

۲۱. بقره: ۲۵۸ / زخرف: ۵۱ تا ۵۴

۲۲. زخرف: ۵۱ تا ۵۳ / اعراف: ۱۱۱ تا ۱۱۴ / طه: ۶۴ / یونس: ۸۸

۲۳. قصص: ۳۹ / یونس: ۹۰

۲۴. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۲۵ (۶۰/۶/۱۵)

این معنای استکبار است که در آیه‌ی کریمه قرآن هم آن جایی که درباره مستکبران سخن می‌گوید می‌فرماید: «فلما جاءهم نذیر ما زادهم الانفورا استکبارا فی الارض و مکر السیء». یعنی در مقابل پیامبر و حرف حق استکبار ورزیدند. نگفتند ما بالاتریم؛ بلکه این بالاتر بودن را، این بیشتر حق داشتن یا برای خود حق بیشتری قائل بودن را در عمل سازماندهی کردند؛ یعنی همان جنگ‌های طولانی و تمام‌نشدنی جبهه کفر و عناد و طغیان با جبهه پیام حق و معنویت و نور و هدایت؛ استکبار یعنی این.

... اگر بخواهیم در بین دولت‌های دنیا، مستکبر را پیدا کنیم دچار مشکل نمی‌شویم. یعنی دولت امریکا - که امام به او لقب شیطان بزرگ دادند - در مقابل ندای حق طلبانه ملت ایران، مستکبر بود. استکباری که در زمان ما شکل گرفت استکبار امریکایی بود. قبل از انقلاب هم این طور بود. در دوران انقلاب و تا امروز هم همین طور است.^{۲۵}

رابطه با امریکا مردود است؛ به سبب این که امریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است.^{۲۶}

۲۵. بیانات به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۰۸/۰۹

۲۶. بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۱/۰۳/۱۴

چند خطای استراتژیک

جذابیت طرح مجدد شعارهای اصولی انقلاب از سوی جناب دکتر احمدی نژاد، موجب گرایش گسترده مردم متدین و انتخاب ایشان در انتخابات نهم ریاست جمهوری گردید؛ انتخابی که با بروز روحیه تلاش بی وقفه، توجه به محرومان و شجاعت در اقدام دولت نهم، زمینه‌ساز اقبال مجدد مردمی و انتخاب دوباره ایشان برای دوره دهم ریاست جمهوری گردید.

انعکاس گسترده مخالفت ایشان با رژیم جعلی صهیونیستی و به چالش کشیدن افسانه هولوکاست، از ایشان چهره‌ای ضد استکباری به جهانیان نشان داد؛ تا آنجا که این روحیه رئیس جمهور محبوب، مورد اشاره مقام معظم رهبری نیز قرار گرفت.

اما در این میان شاهد خطاها و فاصله‌هایی بین رفتارها و سیاست‌های ایشان با اصول ثابت انقلاب و سیاست‌های تشریح شده توسط رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) هستیم؛ که امیدواریم تبیین آن، زمینه اصلاح و تقدیم آن مصداق «النَّصِيحَةُ لِلْأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ»^{۲۷} - که به فرموده رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) وظیفه آحاد جامعه اسلامی است - باشد.

تأکید مجدد رهبر فرزانه انقلاب بر این وظیفه عمومی در خطبه‌های نماز جمعه، انگیزه اصلی ارائه این مجموعه مختصر بود؛ آنجا که فرمودند:

مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسئولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است.^{۲۸}

از سوی دیگر از مسؤولان نیز خواستند که خود را در معرض نقد و انتقاد قرار دهند، تا بدین وسیله از خطر لغزش مسئولین برای نظام و برای کشور کاسته گردد:

افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا. بنابراین علاجهش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت

۲۷. أمالی الصدوق، ص ۲۵۰

۲۸. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۸/۶/۲۰

کنند؛ زنها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»^{۲۹}. از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسئولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی از حرفها، در بعضی از اقدامها و تحرکات، این را احساس میکند؛ نشانه‌های یک چنین انحرافی را انسان مشاهده میکند. به خدا باید پناه برد، از خدا باید کمک خواست.^{۳۰}

۱. زیر پا گذاشتن «اصل عدم مذاکره» و شکستن قبح مذاکره با آمریکا

مبارزه با قدرت‌های استکباری، همواره یکی از اصلی‌ترین شعارها و مطالبات مردم از ابتدای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران بود.

شعاری که نه تنها ریشه در پیام‌ها و اعلامیه‌های حضرت امام (قدس سره) در دوران مبارزه با طاغوت داشت؛ بلکه مردم این مرز و بوم، سال‌ها آثار استعمارگری را بر گوشت و پوست خود حس کرده و عمق آن را دریافته بودند. امام راحل پس از پیروزی انقلاب طی سخنرانی‌های متعدد، سیاست ثابت و غیرقابل تغییر حکومت اسلامی را در قبال قدرت‌های استکباری، مبارزه همیشگی و عدم برقراری هر نوع رابطه اعلام داشتند. به عنوان نمونه، سه جمله زیر را ببینیم:

من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال آمریکا، رابطه ملت مظلوم با جهان‌خواران است.^{۳۱}

خیال نکنید که روابط ما با آمریکا... یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه برّه با گرگ است. رابطه برّه با گرگ، رابطه صلاح‌مندی برای برّه نیست. اینها می‌خواهند از ما بدوشند.^{۳۲}

دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛ چرا که مرد جنگیم. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.^{۳۳}

پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، رهبر معظم انقلاب نیز همان سیاست را، به عنوان اصل اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیان و آن را دارای ریشه‌های مکتبی و قرآنی دانستند:

مبارزه‌ی با استکبار - که امروز هم مظهر استکبار، دولت و رژیم امریکاست - جزو ذات این انقلاب و جزو کارها و خواسته‌های اصلی و اساسی این ملت است. اگر این ملت مبارزه با استکبار را رها کند، معنایش این است که به دخالت بیگانه، به ذلت‌پذیری و به وضعیت بسیار تهدید آمیز قبل از انقلاب تن دهد! همه‌ی آحاد ملت، این

۳۱. صحیفه نور ج ۱۲ صفحه ۴۰ تاریخ: ۱۹/۱/۵۹

۳۲. صحیفه نور ج ۱۰ صفحه ۵۷ تاریخ: ۴/۸/۵۸

۳۳. صحیفه نور ج ۱۱ صفحه ۲۶۶ تاریخ: ۲۲/۱۱/۵۸

احساس و این درک را از مسأله‌ی مبارزه با استکبار دارند.^{۳۴}

مبارزه‌ی ملت ایران، یک مبارزه‌ی شعاری و احساساتی و موسمی و تاکتیکی نیست؛ بلکه یک مبارزه‌ی قرآنی و عمیق و دارای ریشه‌ی مکتبی است. ما با همه‌ی مظاهر استکبار در دنیا برخورد می‌کنیم. با امریکا بیشتر از دیگر دولت‌ها و مستکبران عالم برخورد می‌کنیم؛ چون بیشتر از همه مستکبر است؛ چون جاهلان‌تر و غرورآمیزتر از همه، نسبت به ملت‌هایی که با او روبه‌رو هستند - و بیش از همه نسبت به ملت ما - استکبار را به کار می‌برد. تحلیل مبارزه‌ی مردم ایران، این‌گونه است.^{۳۵}

معظم له طی سخنرانی‌های متعدد، مفهوم واقعی مذاکره را تبیین و آن را منافی با اهداف انقلاب و عزت و سربلندی ملت ایران عنوان داشتند:

مذاکره در عرف سیاسی، یعنی معامله. مذاکره با امریکا، یعنی معامله با امریکا. معامله، یعنی داد و ستد؛ یعنی چیزی بگیر، چیزی بده. تو از انقلاب اسلامی، به امریکا چه می‌خواهی بدهی، تا چیزی از او بگیری؟ آن چیزی که شما می‌خواهید به امریکا بدهید، تا در مقابل از او چیزی بگیرید، چیست؟ ما چه می‌توانیم به امریکا بدهیم؟ او از ما چه می‌خواهد؟ آیا می‌دانید که او چه می‌خواهد؟ «وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»^{۳۶}. والله که امریکا از هیچ چیز ملت ایران، به قدر مسلمان بودن و پایبند بودن به اسلام ناب محمدی، ناراحت نیست. او می‌خواهد شما از این پایبندیتان دست بردارید. او می‌خواهد شما این گردن برافراشته و سرافراز را نداشته باشید؛ حاضرید؟^{۳۷}

از سوی دیگر، تنها راه حفظ خود از آسیب‌های دشمن و مقابله با امریکا را «مبارزه تا یأس کامل» آنها عنوان فرمودند:

در یک صورت، نظام جمهوری اسلامی می‌تواند خود را به‌طور کامل از خطر و آسیب دشمن مصون نگهدارد و آن، وقتی است که با اقتدار خویش آنها را مأیوس کند. روزی که جمهوری اسلامی، با اثبات اقتدار سیاسی و اقتصادی خود و با اثبات قدرت ادامه زندگی، دشمن را مأیوس کرد، می‌توان اطمینان داشت که دشمن از توطئه دست خواهد کشید؛ چون احساس می‌کند تلاش او بی‌فایده است.^{۳۸}

پس از روی کار آمدن دولت ارزشی نهم و طرح ایده «تهاجم در قالب مذاکره»، معظم له در جمع زائران حریم مطهر رضوی، بار دیگر بر نادرست بودن هرگونه اقدامی در این راستا تأکید و به صراحت، «عدم مذاکره» در کلیه مسائل مورد اختلاف را به عنوان «سیاست نظام» تعیین فرمودند:

ما از اول اعلان کردیم و الان هم اعلان می‌کنیم، در هیچ یک از مسائل مورد اختلاف خودمان با امریکا، ما با امریکا مذاکره نمی‌کنیم. دلیل آن هم یک امر واضحی است؛ دلیل این است که مذاکره برای امریکایی‌ها یک ابزاری است برای تحمیل خواسته‌های خودشان به طرف مذاکره. مذاکره مفهوم واقعی خودش را در مذاکرات امریکا با طرف‌های خودش ندارد و از دست داده است.

۳۴. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به‌مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی) ۱۳۷۸/۰۸/۱۲

۳۵. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به‌مناسبت سیزدهم آبان ماه ۱۳۶۸/۰۸/۱۰

۳۶. آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند، جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند؛ (البروج: ۸)

۳۷. سخنرانی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در دیدار با گروه کثیری از معلمان و ... ۱۳۶۹/۰۲/۱۲

۳۸. سخنرانی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و جمعی از دانش‌آموزان استان تهران ۱۳۶۸/۰۳/۲۶

مذاکره برای چیست؟ وقتی دو دوست در یک مسئله‌ی مورد اختلاف با هم مذاکره می‌کنند، این برای این است که هر کدام از نقطه‌ای که قرار دارند، حرکت کنند و به یک نقطه‌ی مورد توافق برسند. امریکا مذاکره را به این معنا نمی‌داند. آنها مذاکره را وسیله‌ای برای تحمیل خواسته‌های خودشان قرار می‌دهند؛ برای وارد آوردن فشار. بنابراین مذاکره با امریکا در همه‌ی مسائل معنا ندارد.^{۳۹}

اما در نهایت تعجب، مشاهده کردیم که برخی مسؤولان سیاسی نظام، بر خلاف این اصل، برای برقراری گفتگو با مسؤولان امریکا اعلام آمادگی کردند. در جلسه پرسش و پاسخ دکتر احمدی نژاد در دانشگاه کلمبیا، رئیس جمهور در پاسخ به سوال آخر دانشجویان دانشگاه کلمبیا نیویورک در باره امکان دیالوگ و گفتگو با امریکا و آینده روابط تهران- واشنگتن گفت:

ما از اول هم اعلام کرده ایم که آماده گفتگو با همه به جز رژیم صهیونیستی هستیم و این سیاست ما از ابتدای انقلاب اسلامی است. رئیس جمهور گفت: ما راه حل‌های انسانی برای روابط بین ملت‌ها داریم و آماده ایم در شرایط عادلانه و احترام متقابل گفتگو کنیم.^{۴۰}

این در حالی بود که تا پیش از این، همه مسؤولان نظام، خصوصاً رهبری معظم انقلاب، امریکا را در کنار اسرائیل به عنوان دو استثنای برقراری رابطه و مذاکره عنوان می‌فرمودند:

و اما نسبت به آینده، مکرر گفته ام که سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند. ما در گذشته هم تصریح کرده ایم و الان هم می‌گوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده‌ایم با هر کشوری - به جز چند استثنا که دلایل خاص و واضح خودش را دارد - ارتباط داشته باشیم. دولت‌های استثنا شده، مثل دولت نامشروع صهیونیستی است... و امریکا هم، همین وضعیّت را دارد. البته، امریکا از مصادیق و مواردی است که ما ارتباط با او را قبول نداریم و رد می‌کنیم.

سؤال می‌شود تا کی؟ پاسخ این پرسش را، هم امام و هم همه‌ی کسانی که در این باره صحبت کرده‌اند، گفته‌اند: تا وقتی که سیاست‌های مبنی بر زور و ظلم و فشار و خصومت با جمهوری اسلامی و حمایت از دشمنان جمهوری اسلامی و پشتیبانی بی‌قید و شرط از دولت صهیونیستی خاتمه پیدا کند. امام فرمودند: «تا وقتی که آدم بشود». یعنی این روش‌های غلط را اصلاح بکند. البته، حقیقتاً ما در جبین آن کشتی، نور رستگاری هم نمی‌بینیم و هیاهوی رابطه و مذاکره هم، حرف مفتی است.^{۴۱}

هرچند در اولین روزهای طرح علنی این نظر، یعنی در مهرماه سال ۸۶، بسیاری از متدینین جامعه، سعی در توجیه و تأویل این گفته و گفتارهایی از این دست که به مرور از دیگر مسؤولان دستگاه دیپلماسی کشور شنیده می‌شد را داشتند، اما گذشت زمان نشان داد که این موضع، در نظر سکان‌داران دولت نهم، ریشه‌ای عمیق دارد.

حتی اگر بپذیریم، مذاکره بدون عوارض مورد نظر، قابل پیگیری باشد، حداقل ضرر طرح آن، حرمت

۳۹. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله) در آستان مقدس رضوی ۸۵/۱/۱

۴۰. http://www.iribnews.ir/MainContent.aspx?news_num=۱۵۲۶۱۱

۴۱. بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگیهای سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

شکنی و شکستن قبح عدول از اصول اساسی انقلاب بود.

رهبر معظم انقلاب، پیش از آن نیز در پاسخ به زمزمه‌هایی در این فضا، فرموده بودند:

بنده البته معتقدم این حرفهایی که گاهی زده می‌شود، از طرف بعضی مسؤولین... گاهی زمزمه می‌کنند: «چرا اینها با آمریکا مذاکره نمی‌کنند؟ چرا نمی‌گویند؟ چرا نمی‌روند حرف بزنند؟ حرف زدن چه ضرری دارد؟!» خیال می‌کنند حرف زدن دو نفر آدم معمولی است که گوشه‌ای بنشینند و صحبت کنند. نمی‌فهمند این مذاکره‌ای که دشمن این قدر روی آن اصرار می‌کند، چه خطرات بزرگی برای جمهوری اسلامی دارد؛ که من شمه‌ای از آنها را عرض کردم.

بنده معتقدم که تکرار این حرف‌ها از طرف آنها هم، کار بدی است. من این را عرض می‌کنم. این نظر بنده است. بنده معتقدم: برای رایج کردن یک گناه در عمل، یکی از راه‌هایش این است که آن گناه را در زبان‌ها رایج کنند. آن قدر بگویند که قبحش از بین برود! شما قضیه‌ی فلسطین و سرنوشت شومی را که بعضی از فلسطینی‌ها برای خودشان و ملت فلسطین قبول کردند، ببینید! امروز این تجربه‌ی بسیار عظیم و عبرت بزرگی است. از بس مدام در گوشه و کنار، کسی چیزی گفت و دیگران به او تشر نزدند! می‌گفتند: «چه مانع دارد که ما با اسرائیل صحبت کنیم؟!» دیگر نگفتند: «دشمن غاصب!» نگفتند: «این دشمن غاصب است. این در خانه‌ی فلسطین‌ها نشسته است. چه مذاکره‌ای؟! مذاکره‌ی با او این است که بگویند فلان فلان شده؛ از خانه ما برو بیرون!» مذاکره‌ی با غاصب، این است. مذاکره‌ی با ظالم این است که بگویند: «فلان فلان شده؛ چرا این قدر ظلم می‌کنی؟!» مذاکره، یعنی این. و آلا، مذاکره‌ی دوستانه، که بروند و بگویند و بخندند و او چیزی بگوید و این چیزی بگوید و بعد چانه بزنند، و این که گفته شود «دیگر با غاصب این حرفها را نداریم»، چه معنی دارد؟! هیچ کس هم به آن کسانی که می‌گویند مذاکره با اسرائیل را آوردند و آوردند و تشر نزدند، تا عیب و قبحش در نظرها از بین رفت و آخرش به این روز تلخ و سیاه رسید.

نکند کسانی که می‌گویند مذاکره را این جا و آن جا و در داخل ملت ایران می‌آورند، قصدشان اینها باشد! ملت ایران، ملتی است که احتیاج به مذاکره و مراوده و ارتباط با دشمن مستکبر ندارد. مگر شما ضعیفید؟! مگر ملت ایران ملت کوچکی است؟! مگر ملت ایران، قدرت دفاع از خود را ندارد؟! ما چه احتیاج داریم به این که به در خانه‌ی مستکبرین، مستبدین و دیکتاتورهای بین‌المللی برویم؟!^{۴۲}

۲. باور «شعار تغییر» سردمداران آمریکا و بی توجهی به اقتضائات تغییر واقعی

پس از روی کار آمدن دولت اوباما و طرح شعار «تغییر» از سوی سردمداران آمریکا، گروهی آن را به فال نیک گرفتند و سراب تغییر را برکه آرزوی خود قرار دادند.

اما در ابتدا، دکتر احمدی نژاد طی سخنانی در دیدار با مردم کرمانشاه، با بیان اینکه بیش از ۶۰ سال است که دولت‌های مختلف آمریکا در نقطه مقابل ملت ایران قرار دارند، تصریح کردند:

در طول این سالها آمریکا با روش‌های مختلف جنایت‌هایی را علیه ملت ایران مرتکب شده است و اگر دولت جدید آمریکا به دنبال تغییر سیاست‌های گذشته است باید از ملت ایران عذرخواهی کند و تلاش کند سابقه سیاه و جنایت‌هایی که علیه ملت ایران مرتکب شده‌اند را جبران کند.^{۴۳}

و پس از آن، در مصاحبه زنده تلویزیونی در ۸۷/۱۱/۳۰ تصریح کرد:

طرح تغییر، حرفی است که باید دید در صحنه عمل، واقعاً چه تغییر بنیادی اتفاق می‌افتد. در کرمانشاه این شعار را تشویق هم کردم؛ آقای بوش بنایش بر این بود که همه ملت‌ها را تحقیر کند و با حمله نظامی، حقوق ملت‌ها را به جیب یک سری سرمایه‌دار بریزد؛ آیا حالا هم قرار است همان اتفاق با یک ادبیات نرم، لبخند و قدرت هوشمند بیفتد یا نه واقعاً توبه کرده‌اند؟!

رئیس‌جمهور اضافه کردند: به عنوان مثال ملت فلسطین، ملتی است که از سرزمینش رانده و حقوقش ضایع شده است، آیا تغییری که رئیس‌جمهور آمریکا گفته است، شامل بازگرداندن حقوق ملت فلسطین هم می‌شود؟ آیا قرار است حقوق ملت افغانستان نیز به رسمیت شناخته شود؟ آیا بناست این شبکه اقتصادی چپاولگر که منابع ملت‌ها را غارت می‌کند و نقاط ضعف خود را به سایر ملل منتقل می‌کند اصلاح شود؟ آیا با شعار تغییری که مطرح کرده اند قرار است شورای امنیت اصلاح شود؟ آیا قرار است زورگویی از بین برود؟ آیا مانع شدن در مقابل ملت‌ها و جلوگیری از پیشرفت آنها از بین خواهد رفت؟ آیا با این تغییرات از پیشرفت ملت‌ها خوشحال می‌شوند؟ خیلی‌ها با چشمان تیزبین منتظر هستند که آیا تغییر واقعی اتفاق می‌افتد یا نه. اگر تغییر واقعی اتفاق بیفتد، خود به خود بقیه معادلات هم عوض می‌شود.^{۴۴}

مطالبی که شباهت‌هایی با بیان رهبر معظم انقلاب در جمع زائران حرم مطهر رضوی در اولین روز سال ۱۳۸۸ داشت. معظم له در این سخنرانی، با اشاره به روی کار آمدن رئیس جمهور و دولت جدید در آمریکا فرمودند:

آنها می‌گویند به‌سوی ایران دست دراز کرده‌ایم و ما می‌گوییم اگر آمریکا در زیر دستکش مخملی، دستی چدنی را پنهان کرده باشد این اقدام هیچ معنا و ارزشی ندارد... حتی در همین پیام تبریک نیز ملت ایران طرفدار تروریست و دنبال سلاح هسته‌ای خوانده شده است؛ آیا این تبریک است یا دنباله همان اتهامات؟... اگر واقعاً چیزی جز بخش اندکی از ادبیات شما تغییر کرده است؟ نشان دهید! آیا دشمنی شما با ملت ایران پایان یافته؟ دارایی‌های ایران را آزاد کرده‌اید؟ تحریم‌ها را برداشته‌اید؟ از لجن‌پراکنی و تبلیغات سوء، دست برداشته‌اید؟ دفاع بی قید و شرط از رژیم صهیونیستی را پایان داده‌اید؟... تغییر نباید لفاظی و با نیت ناسالم باشد و اگر می‌خواهید ضمن حفظ همان اهداف قبلی، فقط سیاست‌ها و تاکتیک‌ها را عوض کنید، این یک خدعه است نه تغییر و اگر تغییر واقعی مورد نظر شماست، باید در عمل مشاهده شود... حرف ما این است که تا وقتی دولت آمریکا، روش‌ها، سیاست‌ها، اقدامات و جهت‌گیریهای خصمانه سی سال گذشته را دنبال می‌کند، ملت ما نیز همان ملت سی سال گذشته است؛ که روز به‌روز قوی‌تر، آبدیده‌تر و باتجربه‌تر شده است. ملت ما از اینکه با زبان تهدید و تطمیع با او صحبت کنند، بدش می‌آید. البته ما سابقه‌ای از رئیس جمهور و دولت جدید آمریکا نداریم؛ بنابراین بر اساس عملکرد آنها قضاوت می‌کنیم.^{۴۵}

شاخصه‌های تغییر

اما سؤال اساسی این است که شاخصه‌های تغییر چیست؟ و اگر این تغییر واقعی باشد، باید چه اتفاقی در سیاست‌ها و رفتار حاکمان آمریکایی ایجاد شود؟

پاسخ این سؤال را می‌توان از کلام مقام معظم رهبری دریافت:

دولت جدید آمریکا درصدد است... چهره‌ی جدیدی از آمریکا در این منطقه ترسیم کند. این چه جوری می‌شود؟ من این را به طور قاطع می‌گویم: این با حرف و نطق و شعار به دست نخواهد آمد. آنها کارهایی کرده‌اند که عمیقاً ملت‌های این منطقه را آزرده است، رنجانده است، به آنها ضربه زده است؛ نمی‌شود با حرف و نطق و شعار این آزرده‌گی را، این رنجش را، این نفرت عمیق را برطرف کرد؛ عمل لازم است.^{۴۶}

شما با دنیا قیّم‌مآبانه برخورد می‌کنید، متکبرانانه حرف می‌زنید، می‌خواهید اراده‌ی خودتان را در دنیا تحمیل کنید، در امور کشورها دخالت می‌کنید، در دنیا معیارهای دوگانه به کار می‌برید؛ یک جا یک جوان فلسطینی را که از شدت فشار ناگزیر می‌شود یک حرکت شهادت‌طلبانه انجام دهد، سیل تبلیغات را بر سر او می‌ریزید؛ اما از طرف دیگر رژیم صهیونیستی که در ظرف بیست و دو روز آن فاجعه را در غزه به وجود می‌آورد، جنایتهای او را ندیده می‌گیرید؛ آن جوان را تروریست می‌خوانید، این رژیم تروریست را می‌گوئید ما به امنیتش متعهدیم... این نصیحت به شماست؛ برای خیر خودتان، برای صلاح خودتان، برای آینده‌ی کشور خودتان، از لحن تکبرآمیز، از روش مستکبرانانه، از حرکتهای قیّم‌مآبانه دست بردارید؛ در کار ملتهای دخالت نکنید؛ به حق خودتان قانع باشید... تا

۴۵. دیدار رهبر معظم انقلاب با زائران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۸/۱/۱

۴۶. بیانات سلگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۰۲/۱۴

وقتی دولت آمریکا روش خود راه، عمل خود راه، جهت‌گیری خود راه، سیاست‌های خود راه، مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم.^{۴۷}

تا وقتی که آمریکا در چنین موضعی قرار دارد، ما رابطه با او را رد می‌کنیم؛ تا وقتی که سیاست آمریکا بر دروغ و فریب و جنایت ... و ظلم به ملت‌های مستضعف استوار است ... امکان ندارد ما با دولت آمریکا مذاکره کنیم یا با او رابطه‌ی برقرار نماییم.^{۴۸}

با توجه به بیان نورانی رهبر انقلاب، می‌توان حداقل علائم و شاخصه‌های تغییر را در تحقق موارد زیر خلاصه کرد:

۱. آزاد کردن دارائی‌های ملت ایران

۲. برداشتن تحریم‌های ظالمانه

۳. دست برداشتن از اتهام‌زدن و تبلیغات سوء علیه ملت و مسئولین ایران

۴. کنار گذاشتن دفاع بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی

۵. کنار گذاشتن ظلم به ملت‌های مستضعف و دخالت نکردن در کار ملت‌ها

۶. زدودن خاطره‌ی جنایت‌هایی که از طرف سردمداران امریکایی نسبت به ملت ایران انجام گرفته، از ذهن ملت ما

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب در بیانات متعدد تصریح فرمودند، روشن است که تا کنون که نزدیک به یک سال از روی کار آمدن دولت اوباما می‌گذرد، هیچ‌کدام از شاخصه‌های فوق تحقق نیافته است؛

با وجود تغییر شیوه‌ها در امریکا، اهداف هیچ تغییری نکرده است و همان اهداف پیگیری می‌شوند.^{۴۹}

رئیس‌جمهور جدید آمریکا هم که با شعار تغییر در سیاست‌های دولت بوش بر سر کار آمده است، از تعهد بی‌قید و شرط به امنیت اسرائیل دم می‌زند، یعنی دفاع از تروریسم دولتی، دفاع از ظلم و زورگوئی، دفاع از قتل عام صدها مرد و زن و کودک فلسطینی در ۲۲ روز، این یعنی همان کژراهه‌ی دوران بوش و نه چیزی کمتر.^{۵۰}

دولت امریکا در حال ادامه همان مسیر قبلی است و هیچ نشانه‌ای از تلاش برای جبران خطاها دیده نمی‌شود.^{۵۱}

شعار تغییر می‌دهند؛ خوب، این تغییر کجاست؟ چه تغییر کرده؟ این را برای ما روشن کنید؛ چه تغییر کرده است؟ دشمنی شما با ملت ایران تغییر کرده؟ کو علامتش؟ دارائی‌های ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریم‌های ظالمانه را برداشتید؟ از لجن‌پراکنی و اتهام‌زنی و تبلیغات سوء علیه این ملت بزرگ و مسئولین مردمی آن دست برداشتید؟ دفاع بی‌قید و شرط از رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتید؟ چه تغییر کرده؟ شعار تغییر می‌دهند، اما در عمل تغییری مشاهده نمی‌شود. ما هیچ تغییری ندیدیم. حتی ادبیات هم عوض نشده است. رئیس‌جمهور جدید آمریکا

۴۷. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) ۸۸/۱/۱

۴۸. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از خانواده‌های معظم اسرا و مفقودان ۱۳۶۸/۰۵/۲۳

۴۹. دیدار نبیه بری رئیس مجلس لبنان با رهبر انقلاب اسلامی ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

۵۰. اجلاس بین‌المللی حمایت از مردم فلسطین ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

۵۱. دیدار رییس جمهوری ترکیه با رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۱۲/۲۰

از اولین لحظه‌ای که رسماً به ریاست جمهوری رسید و نطق کرد، به ایران و دولت جمهوری اسلامی اهانت کرد؛ چرا؟ اگر راست می‌گوئید تغییری انجام گرفته است، کو این تغییر؟ چرا چیزی دیده نمیشود؟^{۵۲}

اما خوب است در اینجا دو نمونه از عدم تغییر در سیاستهای آمریکا را باهم مرور کنیم:

بازی لغو سپر دفاع ضد موشکی:

آقای دکتر احمدی نژاد، در روز جمعه ۲۷ شهریور ۱۳۸۸ در گفتگو با شبکه ان بی سی آمریکا درباره لغو برنامه سپر دفاع ضد موشکی آمریکا در اروپا، در اظهار نظری شتاب زده، آن را نشانه ای از اراده برای تغییر مورد ادعای او باما دانست:

ان.بی.سی: گزارش هایی بوده که آمریکا برنامه سپر موشکی خود را در لهستان و چک لغو می کند و می خواستم بدانم که آیا برنامه موشک های شما، آنطور که تخمین زده می شد پیشرفت نداشته که بتواند به اروپا برسد؟ واکنش شما نسبت به این خبر چیست که آمریکا این برنامه را لغو کرده است؟

رییس جمهور: ما استقبال می کنیم؛ یعنی این را یک نشانه ای از اراده برای تغییر می دانیم. اصولاً ما از ناحیه اروپا هیچ خطری را احساس نمی کنیم. ما فکر می کنیم اروپا باید در نهایت در کنار ایران و همراه ایران باشد؛ این اتفاق خواهد افتاد. بالاخره همه باید در دوستی و صلح با هم زندگی کنند. ما آرزو داریم که همه موشک ها در جهان برچیده شود. همه سلاح ها برچیده شود و به جای آن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان ساخته شود؛ این آرزوی ما است.^{۵۳}

اما فقط ۳ روز بعد، یعنی در روز ۲۱ سپتامبر (۳۰ شهریور ۱۳۸۸):

او باما از استقرار مرحله ای حس گرها و موشک های ره گیر را که به منظور کاهش خطر برنامه موشکی ایران طراحی شده اند، پرده برداشت...

به گفته او باما، براساس ارزیابی ای اطلاعاتی پیرامون برنامه های هسته ای و موشکهای بالستیک ایران و پیشرفتهای حاصله در فن آوری دفاعی در ایالات متحده، نظام جدید به استقرار دستگاهی در هیچیک از دو کشور [لهستان و چک] نیاز ندارد و رویکرد جدید در مهلت زمانی کوتاه تری توانایی هایی بر مبنای سیستم های تثبیت شده در اختیار می گذارد و دفاع بهتری را در برابر تهدید حمله موشکی، در مقایسه با راهبرد قبلی، تأمین می کند.

او باما گفت: به عبارت ساده تر، ساختار جدید موشکی ما در اروپا دفاع نیرومندتر و هوشمندانه تری برای نیروهای آمریکایی و متحدان تأمین می کند، از سیستم قبلی فراگیرتر است، توانایی هایی در اختیار می گذارد که به ثبوت رسیده اند و بر مبنای تعهد ایالات متحده نسبت به دفاع سرزمین میهن مان در برابر تهدید موشک های دور پرواز اتکاء دارد و از آن پشتیبانی می کند، و محافظت از تمامی متحدان ما نیز را تضمین می کند و ارتقاء می بخشد... دریک چهارچوب زمانی تا ۲۰۱۸، سرتاسر اروپا را می توان با ساختار دفاع موشکی مشترک ما تحت پوشش قرار داد.^{۵۴}

۵۲. بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) ۱۳۸۸/۱/۱

۵۳. <http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۷۸۲۴>

۵۴. <http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/September/۲۰۰۹۰۹۲۱۱۴۵۶۱۰esnamfuak۰۰۱۸۲۸۳۴۳.html>

مواضع در برابر اسرائیل:

یا در نمونه ای دیگر، دربارهٔ حمایت‌های بی‌چون و چرای آمریکا در قبال اسرائیل همان‌گونه که انتظار می‌رفت، نه تنها تغییری توسط صورت نگرفته است، بلکه به تصریح خود آقای اوباما، اصلاً چنین تغییری غیرممکن است:

پرزیدنت اوباما در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نخست وزیر اسرائیل در ۱۸ مه (۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۸)، به نتانیاهو اطمینان داد که ایالات متحده آمریکا علیه ایران از گزینه‌های مختلف از جمله تحریم‌های شدیدتر بین المللی صرف‌نظر نمی‌کند.

اوباما گفت از آغاز کار دولت او، امنیت اسرائیل برای آمریکا از بالاترین درجه اهمیت برخوردار بوده و تضمین امنیت اسرائیل به عنوان یک کشور مستقل برای امنیت ملی آمریکا حیاتی است.

همچنین اوباما و نتانیاهو، هر دو، تصریح کردند که «ما درگیر فرایندی برای برقراری ارتباط با ایران هستیم تا آنها را متقاعد کنیم که دنبال کردن تسلیحات هسته‌ای به نفعشان نیست و باید مسیرشان را عوض کنند.» ایالات متحده آمریکا و اسرائیل هیچ‌کدام توضیحات مسئولان ایرانی را مبنی بر اینکه برنامه هسته‌ای آنها صلح آمیز و غیرنظامی است نپذیرفته‌اند.^{۵۵}

اوباما همین سخنان را در ۴ ژوئن ۲۰۰۹ (۱۴ خرداد ۱۳۸۸) در دانشگاه قاهره تکرار کرد:

همه بر مناسبات مستحکم آمریکا با اسرائیل واقف هستند. این رابطه شکست ناپذیر است. این مناسبات بر مبنای روابط فرهنگی و تاریخی بوده و ریشه در آرمان آن مردم برای داشتن سرزمینی یهودی در تاریخی دردناک دارد که نمیتوان آنرا انکار کرد.^{۵۶}

با این وجود، جای این سؤال باقی است که چرا جناب آقای احمدی نژاد - با تأثیرپذیری از لفاظی‌های سردمداران کاخ سفید - هنوز این قدر امیدوارانه از «تغییر» در سیاست‌های آمریکا سخن می‌گویند؟! این سخنان، در روز شنبه ۴ مهر ۱۳۸۸ و بلافاصله پس از بازگشت از مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک ایراد شده است:

...آقای اوباما همچنین در صحن سازمان ملل تعهدات سنگینی دادند و متعهد شد که رفتارهای خود را اصلاح کنند و رفتارهای گذشته تکرار نشود، به حقوق ملت‌ها احترام بگذارند و به قانون احترام بگذارند و این تأکیدی بود بر انجام تغییر و تحولات اساسی به خصوص در رفتار دولتمردان آمریکا.^{۵۷}

<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/May/۲۰۰۹۰۵۱۹۱۵۵۵۲۲xjsnommis۰۵۰۸۴۳۴۵.html> .۵۵

<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/June/۲۰۰۹۰۶۰۴۱۴۰۱۱۶eafas۰۲۲۸۳۴۴۱.html> .۵۶

<http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۸۰۱۳> .۵۷

۳. عدول از «پیش شرط» به «چارچوب» برای مذاکره!

مقام معظم رهبری «شرط تغییر سیاست نظام اسلامی» در قبال آمریکا را «تحقق پیدا کردن تغییر» قرار داده و فرمودند:

تا وقتی دولت آمریکا روش خود را، عمل خود را، جهت‌گیری خود را، سیاستهای خود را، مثل این سی سال علیه ما ادامه دهد، ما همان آدم سی سال قبل، همان ملت این سی سال هستیم. ملت ما از اینکه باز هم شما شعار بدهید که «مذاکره و فشار»؛ ما با ایران مذاکره می‌کنیم، در عین حال فشار هم وارد می‌آوریم - هم تهدید، هم تطمیع - بدش می‌آید. این جور با ملت ما نمی‌شود حرف زد. ما سابقه‌ای از دولت جدید و رئیس‌جمهور جدید آمریکا نداریم؛ نگاه می‌کنیم، قضاوت خواهیم کرد. شما تغییر کنید، ما هم رفتارمان تغییر خواهد کرد. شما تغییر نکنید، ملت ما این سی سال را روزه‌روز آبدیده‌تر و متحمل‌تر و قوی‌تر و باتجربه‌تر شده است.^{۵۸}

این تصریح معظم له، در واقع تأکید بر همان موضع ثابت نظام جمهوری اسلامی است که سالها پیش از سوی رهبر معظم انقلاب بیان شده بود؛

تا وقتی که سیاست امریکا بر دروغ و فریب و جنایت و حمایت از دولت پلیدی مثل اسرائیل و ظلم به ملت‌های مستضعف استوار است و تا وقتی که خاطره‌ی جنایت‌هایی که از طرف سردمداران امریکایی نسبت به ملت ایران انجام گرفته، در ذهن ملت ماست و جبران نشده - مثل خاطره‌ی سقوط هواپیما، مثل مسدود کردن داراییها و اموال ملت ایران در امریکا - امکان ندارد ما با دولت امریکا مذاکره کنیم یا با او رابطه‌ی برقرار نماییم.^{۵۹}

اما متأسفانه این موضع مسئول سیاست‌گذاری عالی نظام، یعنی مقام ولایت فقیه، در گفتار مسئول اجرایی کشور انعکاس نیافت.

ایشان در مصاحبه با شبکه ABC آمریکا «پیش شرط‌های تعیین شده» از سوی معظم له را نادیده گرفته و فقط به وجود «چارچوبی برای مذاکره» اکتفا نمود:

سوال: اگر تغییری وجود داشته باشد ایران در قبالش چه خواهد کرد؟ شما هم آماده هستید مذاکره کنید؛ بدون هیچ پیش شرطی؟!

۵۸. بیانات دراجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) ۱۳۸۸/۱/۱

۵۹. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از خانواده‌های معظم اسرا و مقفودان ۱۳۶۸/۰۵/۲۳

جواب: اولاً من پیام تبریک فرستادم برای آقای اوباما این یک کار بزرگی بود، باین که مردم ایران از رفتار دولت های آمریکا خیلی ناراحتند و من مورد انتقاد قرار گرفتم در ایران، اما من این کار را انجام دادم؛ هنوز پاسخی دریافت نشده است. ما از گذشته همیشه آماده گفتگو بودیم. گفتگویی که براساس احترام و عدالت باشد، از شعار تغییر آقای اوباما هم استقبال کردیم و اعلام کردیم منتظر تغییرات واقعی هستیم. با گروه اروپایی و آمریکایی هم گفتگو می کنیم، اعلام کردیم که گفتگو می کنیم اما بر پایه احترام و عدالت.

سوال: آیا پیش شرطی از طرف ایران وجود دارد؟ چرا الان در خصوص مساله هسته ای صحبت نمی کنید؟

جواب: اگر لازم بود که پیش شرط قرار بدهیم باید از کودتای دولت آمریکا علیه دولت ملی ایران در پنجاه و چند سال قبل شروع می کردیم، باید از حمایت های دولت های آمریکا از رژیم قبلی ایران که مستبد بود شروع می کردیم، باید از موضوع حمایت از صدام شروع می کردیم. ما پیش شرطی قرار ندادیم ما گفتیم که گفتگو می کنیم در چارچوب احترام و عدالت، سال گذشته ما یک بسته پیشنهادی دادیم برای گفتگو، همه می دانند در این یک سال تحولات بزرگی در جهان اتفاق افتاده، موضوعات جدیدی وارد شده است، ما بسته مان را داریم تجدید نظر می کنیم، موضوعات جدیدی را داریم اضافه می کنیم به حوزه گفتگوها و این را به زودی منتشر خواهیم کرد. ما همیشه آماده گفتگو هستیم بدون هیچ پیش شرطی.^{۶۰}

۴. عقب‌نشینی از لزوم عذرخواهی آمریکا از اشتباهات گذشته در قبال ملت ایران

علیرغم سخنرانی دکتر احمدی نژاد در کرمانشاه و بیان اینکه:

بیش از ۶۰ سال است که دولت‌های مختلف آمریکا در نقطه مقابل ملت ایران قرار دارند. در طول این سالها آمریکا با روشهای مختلف جنایت‌هایی را علیه ملت ایران مرتکب شده است و اگر دولت جدید آمریکا به دنبال تغییر سیاست‌های گذشته است باید از ملت ایران عذرخواهی کند و تلاش کند سابقه سیاه و جنایت‌هایی که علیه ملت ایران مرتکب شده اند را جبران کند.^{۶۱}

تنها به فاصله دو ماه، در مصاحبه با روزنامه اشپیگل در ۸۸/۱/۲۲ اظهار داشت:

ما اصلاً کی گفتیم معذرت خواهی بکنند؟ ما دنبال انتقام جویی نیستیم. ما می‌گوییم مسیرشان را اصلاح کنند و معلوم بشود که رفتارشان تغییر کرده است. واقعاً الان شما هیچ نشانه‌ای دال بر تغییر می‌بینید؟ ایشان که هنوز برنامه‌هایش را اعلام نکرده. گفته من گروهی را نصب کرده‌ام و دارند برای ایران برنامه ریزی می‌کنند.

نخیر! مذاکره فقط باید چارچوب داشته باشد. معلوم باشد که چه هدفی را دنبال می‌کند. اصل مذاکره که منعی ندارد. باید دستور کارها معلوم بشود. موضوع مذاکره معلوم بشود. این منطق یک مذاکره موفق است. البته تا الان فقط از طریق رسانه‌ها شنیدیم که می‌خواهند مذاکره کنند. از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنیم.^{۶۲}

ایشان در جمع مردم کرمان در تاریخ چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۸ نیز این موضوع را علنی ساختند:

دکتر احمدی نژاد خطاب به قدرت‌های زورگوی جهان اظهار داشت: ملت ایران، ملت کریمی است و ممکن است که گذشته را فراموش و دوران جدیدی را شروع کند.^{۶۳}

این در حالی است که رهبر معظم انقلاب یکی از نشانه‌های تغییر در آمریکا را عذرخواهی از جنایاتی که در قبال ملت ایران مرتکب شده، می‌دانند.

مشکل ملت ایران با آمریکا مشکل کارهای امروز نیست؛ مشکل پنجاه و چند سال مودبگری و خبثت از سوی آن رژیم نسبت به ملت ایران است؛ از سال ۱۳۳۲ تا امروز. سالها پیش از انقلاب، به‌خصوص از وقتی نهضت

۶۱. <http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۴۵۶۴>

۶۲. www.irna.org/View/EventNews/Event/?EVIId=۱۰۳

۶۳. <http://www.president.ir/fa/print.php?ArtID=۱۵۸۱۵>

امام (رضوان الله علیه) و نهضت روحانیت شروع شد تا پیروزی انقلاب، آنچه خواستند علیه ملت ایران توطئه کردند، ضربه زدند، خیانت کردند، فشار وارد آوردند و انواع و اقسام شیوه های مستکبرانه را با این ملت به کار بردند. بعد از پیروزی انقلاب - الان، سی سال است - هیچ روزی نبوده است که آمریکا نسبت به ملت ایران نیت خیری داشته باشد؛ از کارهای گذشته ی خودش عذرخواهی نکند؛ صادقانه دست از استکبار و طمع ورزی نسبت به ملت ایران بردارد. مسئله ی ما با آمریکا این نیست که حالا بر سر دو تا موضوع جهانی یا بین المللی یا منطقه ای با هم اختلاف نظر داریم، برویم بنشینیم با مذاکره حل کنیم. مسئله مثل مسئله ی مرگ و زندگی است؛ مسئله ی هست و نیست است. این نکته ی دوم، که این را شما جوان ها بدانید؛ ما اهل ستیزه گری نیستیم؛ اما اهل حفظ هویت خود، استقلال خود، عزت خود هستیم. هر کسی که عزت ملت ایران را بخواهد پایمال کند، ملت ایران را تحقیر کند، بخواهد دست سلطه را بر این ملت دراز کند، ملت ایران با غیرت خود، با ایمان خود این دست را قطع می کند.^{۶۴}

مگر ممکن است که ملت ما، دشمنی های استکبار و بیش از همه امریکا را فراموش کنند؟ مگر ممکن است طمع ورزی ها و زیاده طلبی ها و تجاوزهای پنهان و آشکار امریکا را ندیده بگیرند؟ فهمیدند که دشمنی ملت ایران نسبت به دشمنان اسلام و در رأس آنها رژیم امریکا، تمام شدنی نیست. فهمیدند که ملت ایران ایستاده است، تا از اسلام انقلابی و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله وسلم) دفاع کند. فهمیدند که دولت و ملت و مسؤولان، اهل سازش و معامله نیستند.^{۶۵}

نکته دیگری که متأسفانه در این مصاحبه دکتر احمدی نژاد مورد اشاره قرار گرفته، برگرداندن «طلب عذرخواهی» به «کینه جویی» است و ملت ایران را با کرامت و اهل گذشت معرفی می نماید. در حالی که کینه نسبت به آمریکا و دیگر شیطان صفتان جزئی از مبانی دینی ما و مصداق «تبری» است که از فروع مکتب تشیع به شمار می رود.

البته این نکته را هم در این جا مطرح کنم که مردم نباید هیچ وقت کینه ی شیطانها و شیطان صفتان را از دل خود بیرون کنند. نگویید حالا گذشت و تمام شد و چه لزومی دارد که دیگر به یادمان آوریم. نه، دین ما این است: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ».^{۶۶} دین، عبارت از محبت و کینه است: از یک طرف، محبت به خوبان و خوبیها و مظلومان و انسانهایی که مورد جفای شیطانها قرار گرفته اند و از طرف دیگر بغض و کینه نسبت به شیطانها و موجودات پلید و پلیدیها و کسانی که برای آنها، انسان و انسانیت و خدا، حرف مفت است. این هم جزو دین است. تویی و تبری، جزو فروع دین و به قول بعضی از علما، جزو اصول دین است. زشت صورتی دشمنان خدا و خلق را فراموش نکنید. اگر فراموش کردید، همان دشمن، چهره ی خودش را عوض خواهد کرد و نزدیک می شود. دشمن که نزدیک شد، برای ضربه زدن نزدیک می شود. دشمن که برای نوازش نزدیک نمی شود. این که شما می بینید گاهی دشمنان ما - چه دشمنان شناخته شده، مثل مستکبران عالم و قلدرهای روزگار و چه دشمنان شناخته نشده که خطرشان بیشتر است - چهره ی خوب نشان می دهند و مثل مار خوش خط و خال به صورت فریبنده به طرف انسان می آیند، اظهار محبت می کنند و می گویند بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است. حواستان جمع باشد. نباید کینه ی دشمن از دلتان خارج شود.^{۶۷}

۶۴. دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان در آستانه ی سالروز سیزده آبان ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

۶۵. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از نیروهای مقاومت بسیج، گروهی از پرستاران و جمعی از پرسنل نیروی دریایی ارتش ۱۳۶۹/۰۹/۰۷

۶۶. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۶۳ و نهج الفصاحه، ص ۵۳۹

۶۷. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم استان چهارمحال و بختیاری و ... اصفهان، یزد، فومن و گروهی از طلاب پاکستانی ۱۳۶۸/۰۶/۰۸

وی در مصاحبه با استوشیتدپرس نیز از او باما خواست، ایران را دوست بالقوه خود بداند!^{۶۸}

احمدی نژاد ضمن تاکید بر این نکته که از دیدگاه تاریخی، هرکسی با ایران دوست شد فرصت‌های فراوانی به دست آورد، از او باما خواست که به ایران به عنوان یک دوست بالقوه نگاه کند و نه یک تهدید.^{۶۹}

در حالی که رابطه همیشگی ما با آمریکا باید بر اساس اصل قرآنی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و نفرت مقدس از دشمنان خدا تنظیم گردد.

اگر آیات قرآن آنچنان بر دل انسان نازل بشود که دل جذب کند و فهم کند و به شکل آن آیه دربیاید، آن وقت وقتی که به ما میگویند که: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^{۷۰}، پذیرش آن برایمان راحت میشود. با کفار سختگیر، سخت، اشداء؛ شدید و شدت به معنای سختی است؛ معنایش این نیست که حتماً بایستی دشمن را آدم بکلی پامال کند و سرکوب کند؛ نه، یک وقت اقتضای سرکوبی دارد، یک وقت هم اقتضای سرکوبی ندارد؛ اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود. خاکریزتان باید در مقابل دشمن نرم نباشد؛ دشمن نتواند نفوذ کند؛ نتواند تأثیر بگذارد؛ این در مقابل دشمن.^{۷۱}

امریکاییها در اظهارات رسمی می‌گویند و اظهار می‌کنند که ما آماده مذاکره با ایرانیم. مذاکره برای چه؟ معلوم است؛ مذاکره برای این که راهی و مجرای برای فشار آوردن روی دولت ایران پیدا شود. مذاکره را برای این می‌خواهند. چه مذاکره‌ای؟! ما با شما کاری نداریم، احتیاجی به شما نداریم، ترسی از شما نداریم، هیچ محبتی به شما نداریم. شما کسانی هستید که در روز روشن، جلو چشم همه ی مردم دنیا، هواپیمای مسافربری ما را به بهانه ی دروغ و واهی، سرنگون کردید و دهها نفر انسان را کشتید و حتی عذرخواهی هم نکردید. این چگونه رژیم است؟ این چگونه دستگاهی است؟ این چگونه فرهنگی است؟ چطور دل انسان با چنین رژیمی صاف شود؟ ما با اینها کاری نداریم. هیچ رابطه ی محبت و عطف و دوستی بین ما و امریکا نیست. رابطه ی نفرت از طرف ماست؛ رابطه ی خصومت خباثت‌آمیز از طرف آنها است.^{۷۲}

۶۸. علیرغم انعکاس گسترده این مصاحبه در اغلب نشریات آمریکا و اروپا، این گفتگو در رسانه های داخلی انعکاسی کم رنگ داشت.

۶۹. <http://alef.ir/54036/content/view/full/1388>

۷۰. «محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند»؛ (فتح: ۲۹)

۷۱. بیانات در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان ۱۳۸۸/۰۵/۳۱

۷۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در آستانه ی سالروز تسخیر لانه ی جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۲/۰۸/۱۱

۵. توهم رفع تهدید آمریکا و نادیده گرفتن دشمنی‌های آشکار آمریکا

بصیرت الهی رهبر فرزانه انقلاب در سی امین سال پیروزی انقلاب، باز هم توطئه‌های استکبار جهانی را بی نتیجه گذاشت؛ هشدار معظم له در سفر به کردستان، از تدارک وسیع آمریکا در پشت مرزهای غربی کشورمان پرده برداشت؛

من به طور قاطع این را می‌گویم: متأسفانه در پشت مرزهای غربی ما، آمریکائی‌ها مشغول توطئه‌اند، مشغول تروریست‌پروری هستند. پول، سلاح، سازماندهی، تشکیلات به وسیله‌ی آمریکائی‌ها به‌طور مستقیم در پشت مرزهای غربی کشور ما صرف می‌شود برای مودیگری کردن و پنجه انداختن و معارضة کردن با نظام جمهوری اسلامی؛ باید بیدار باشیم. ما اطلاع داریم - اینها تحلیل نیست، اطلاع است - آمریکائی‌ها طرح‌های خطرناکی برای کردستان دارند؛ هدفشان دفاع از قوم کرد نیست؛ هدف پنجه انداختن و سلطه یافتن بر قوم کرد است؛ این را ما از روی اطلاع می‌دانیم؛ اینها تحلیل نیست، اطلاع است. دوستان کرد ما در آن سوی مرزهای غربی به ما اطلاع دادند و اطلاع می‌دهند افسران آمریکائی پول می‌برند بالای بلندی‌های «قندیل»، به قیمت خون جوانان کرد از آنها اطلاعات می‌گیرند؛ پول می‌دهند برای مزدورسازی.^{۷۳}

این در حالیست که هنوز چند ماه از سخنرانی غرآء دکتر احمدی نژاد در راهپیمایی ۲۲ بهمن نگذشته بود که ایشان اظهار داشتند:

من در اینجا با صدای بلند اعلام می‌کنم که با لطف خدا و با ایستادگی ملت ایران سایه تهدید برای همیشه از سر ملت ایران برداشته شده است.^{۷۴}

پس از سخنرانی رهبر انقلاب در کردستان نیز، همین موضع از سوی رئیس جمهور در کنفرانس مطبوعاتی ۸۸/۳/۳ تکرار شد:

شما شاهدید که امروز کسانی به دنبال گفتگو با ما هستند و می‌گویند ایران باید در کنار ما بنشیند و به اتفاق هم برای مسائل جهان تصمیم بگیریم که چهار سال قبل می‌گفتند ایران باید از جغرافیای جهان حذف شود. آنان چهار سال قبل دنبال براندازی ما بودند و پشت مرزهای ما روزانه ما را تهدید به حمله نظامی می‌کردند.

۷۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم سقز ۱۳۸۸/۲/۲۹

۷۴. ۱۳۸۷/۱۱/۲۲ isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-۱۲۸۸۱۰۴&Lang

مقایسه این دو وضع نشان دهنده تأثیر سیاست خارجی دولت نهم است. دکتر احمدی نژاد تصریح کرد: دولت نهم در دو جبهه سیاست خارجی موفق بود اول این که دشمنان گستاخی را که ۳۰ سال به ملت ایران بی احترامی و گزافه خواهی می کردند به پشتوانه ملت و با عنایات امام عصر (عج) به جای خودشان نشانند.^{۷۵}

رهبر معظم انقلاب، در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، خطاب به ایشان فرمودند:

من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرائط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه ای وارد شود، چیز خطرناکی است؛ هشیار باشید! این همان توصیه ای امیر مؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ»^{۷۶}. در عرصه ی زندگی سیاسی دچار خواب آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می گوئیم؛ اطلاع است.^{۷۷}

اشاره معظم له در این جلسه به اغتشاشات پس از انتخابات، بعد دیگری از دشمنی های جدی آمریکا بر ضد این کشور را آشکار ساخت:

دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما - همه ی ما، همه ی آحاد مردم - تجربه ی هشداردهنده ای باشد.^{۷۸}

البته اینی که عرض می کنم، تحلیل است؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمی کنم افرادی را که دست اندر کار بودند، که اینها دست نشانده ی بیگانه هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمی کنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمی توانم بگویم - اما آنی که می توانم بگویم، این است که این جریان، چه پیش قراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه ی نشانه ها، نشان می دهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.

بعد از انتخابات که تحولاتی از طرف بعضی ها شروع شد، یک تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور می کردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند. لذا دیدید که این دستگاهها و وسائل رسانه ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند.^{۷۹}

۷۵. <http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۶۶۷۸>

۷۶. نهج البلاغه، نامه ۶۲

۷۷. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۸۸/۵/۱۵

۷۸. همان

۷۹. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

به نظر می‌رسد تعارفات سیاسی آنقدر جدی است که دخالت آشکار آمریکا و دیگر قدرت‌های استکباری نیز از سوی رئیس‌جمهور محترم، با کمترین حساسیت مورد اغماض قرار می‌گیرد و نقش روشن مسئولان آمریکایی نادیده گرفته می‌شود؛ تا آنجا که جمعه ۳ مهر ۱۳۸۸ رئیس‌جمهور در نشستی با شورای دبیران هفته‌نامه «تایم» با اشاره به موضوع تحریکات پس از انتخابات، اظهار داشت:

برخی از این دولت‌ها سعی نمودند آشوب‌ها را مثبت نشان دهند. به طور مشخص مسئولان دولت انگلیس این کار را کردند. ما نگفتیم که اتفاقاتی که در تهران افتاد آنها طراحی و مدیریت کردند بلکه گفتیم دخالت کردند و این دو مطلب جداگانه است.^{۸۰}

این در حالی است که مسئولین آمریکایی به صراحت و بی‌پروا در مسائل داخلی ایران دخالت کردند:

پرزیدنت اوباما که روز ۲۳ ژوئن (۲ تیر ۱۳۸۸) در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید سخن می‌گفت، اعلام داشت که ایالات متحده و جامعه بین‌المللی از مشاهده صحنه‌های تهدید، و موارد ضرب و جرح و به زندان افکندن‌ها «احساس نفرت و خشم» می‌کند:^{۸۱}

نخست، میل دارم چند کلامی راجع به وضع ایران بگویم. ایالات متحده و جامعه بین‌المللی از مشاهده تهدیدها، و موارد ضرب و جرح و به زندان افکندن‌ها طی چند روزه اخیر نفرت زده و خشمگین شده است. من با کمال قوت این اقدامات غیرعادلانه را محکوم می‌کنم و در سوک هر جان بی‌گناهی که از دست رفته است، به مردم آمریکا می‌پیوندم.^{۸۲}

۸۰. <http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۷۹۵۹>

۸۱. <http://www.america.gov/st/democracy-persian/۲۰۰۹/June/۲۰۰۹۰۶۲۳۱۸۵۱۴۵esnamfuak۰۶۹۳۶۶۰۹.html>

۸۲. <http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/June/۲۰۰۹۰۶۲۳۱۵۳۷۵۷eai fas۰,۱۹۸۷۴۲۱.html>

۶. کنار آمدن با «نظام سلطه» و قانع شدن به «بر عهده گرفتن نقشی در این نظام»

دکتر احمدی نژاد در دیدار اعضای ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره) با بیان اینکه در ذهن و دل امام هیچ گاه نظام سلطه مادی به رسمیت شناخته نشد، یادآور شد:

ما انقلاب کردیم که نظام سلطه را به هم بزیم نه این که برویم کنار آن نظام و بگوییم به ما هم نقشی بدهید.^{۸۳}

این موضع در تطابق با بیانات رهبر معظم انقلاب در این باره است که فرمودند:

هر ملت و دولت و نظامی که فرهنگ سلطه‌ی جهانی را قبول کند، استکبار با او می‌تواند بسازد و با او بحثی ندارد. هر فرهنگ و ملت و نظامی که فرهنگ سلطه - یعنی حاکمیت خداوندان زر و زور و امپراتورهای قدرت جهانی - را رد بکند، او در نظر و چشم آنها مبعوض است. امروز، اسلام و ما این نظام سلطه را در دنیا رد می‌کنیم و او را محکوم می‌سازیم و مسؤول بدبختی ملتها و انسانها در سراسر عالم می‌شماریم.^{۸۴}

اما متأسفانه دیدیم که دکتر احمدی نژاد در گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما در ۸۸/۳/۱۵ اظهار داشتند:

ما باید در مسئله سیاست خارجی در مدیریت جهان مشارکت فعال داشته باشیم و جزو حلقه‌های اصلی مدیران جهان باشیم و این موارد همه جزو ظرفیت‌های ملت ایران است و محقق شدنی نیز می‌باشد.^{۸۵}

۸۳. <http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۶۸۵۵>

۸۴. سخنرانی در دیدار با گروه‌های مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۱۲

۸۵. <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۸۰۳۱۶۰۰۲۹>

۷. پذیرش تعریف کلاسیک مذاکره و بی‌توجهی به واقعیت‌های میدان

خطای دیگری که در این موضوع مشاهده می‌شود، نگرش خوش‌بینانه آقای دکتر احمدی نژاد به موضوع گفتگو و توجه نکردن به اهداف طرف مقابل در مذاکره است. بد نیست ابتدا به نظر ایشان در باب مذاکره و گفتگو بپردازیم:

امروز بشر نیازمند فرهنگ، اندیشه و منطق است و اگر کسی منطق انسانی بالاتری دارد، باید مطرح بکند. دوران امر و نهی کردن به ملت‌ها هم به پایان رسیده است... ما از گفتگو بر اساس عدالت و احترام استقبال می‌کنیم. این همیشه موضع ما بوده است.^{۸۶}

ما از گذشته همیشه آماده گفتگو بودیم. گفتگویی که براساس احترام و عدالت باشد، از شعار تغییر آقای اوباما هم استقبال کردیم و اعلام کردیم منتظر تغییرات واقعی هستیم. با گروه اروپایی و آمریکایی هم گفتگو می‌کنیم، اعلام کردیم که گفتگو می‌کنیم اما بر پایه احترام و عدالت... ما باید زمینه‌ای را فراهم کنیم که همه دولت‌ها و ملت‌ها در مدیریت جهان مشارکت فعال داشته باشند. نظامات سیاسی و اقتصادی که منجر به تنش و تبعیض می‌شود اینها را باید اصلاح بکنیم. اختلافاتی که در سطح جهان است باید بر مبنای منطق و عدالت و از طریق گفتگو حل و فصل شود. ما فکر می‌کنیم الان بشریت به جایی رسیده است که باید به همه ملت‌ها احترام بگذارد. ما آماده هستیم در برقراری امنیت در جهان، صلح و دوستی، خلع سلاح اتمی، رفع اختلافات، حل مشکلات اقتصادی، تعریف نظام اقتصادی و سیاسی جدید برای جهان، مشارکت فعال داشته باشیم و آماده گفتگو هستیم، ما هیچ‌گاه از گفتگوها امتناع نکردیم، گفتگو منطق ملت ایران است.^{۸۷}

البته این، برداشت جناب آقای دکتر احمدی نژاد از مذاکره است؛ اما بشنوید از سخنان سردمداران کاخ سفید درباره مذاکره و این که آیا آنها هم به مذاکره با همان دید دکتر احمدی نژاد می‌نگرند؛ یا آنها با اهداف خود ماجرا را دنبال می‌کنند؟

اوباما طی کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نخست‌وزیر ایتالیا در روز ۱۵ ژوئن (۲۵ خرداد ۱۳۸۸) گفت:

اکنون، در رابطه با ایالات متحده و تعامل ما با ایران، هر قدر هم که برخی از اظهارات پرزیدنت احمدی نژاد از

۸۶. مصاحبه با روزنامه اشپیکل در ۲۲/۱/۸۸ EVId=۱۰۳

۸۷. مصاحبه با شبکه ABC آمریکا ۱۶۱۳ ArtID=۱۶۱۳

نظر من نفرت انگیز و هر قدر که اختلافات موجود بین ایالات متحده و ایران در ارتباط با طیفی از مسائل اساسی عمیق باشند، من همواره اعتقاد داشته‌ام پیگیری یک دیپلماسی استوار و بدون توهّم درباره ایران و طبیعت اختلافات میان دو کشور ما جنبه اساسی دارد، بویژه هنگامی که «منافع اساسی امنیت ملی ما» و به طور مشخص حصول اطمینان از این امر مطرح است که ما شاهد یک مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در خاورمیانه بر اثر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نباشیم؛ و بتوانیم مطمئن شویم که ایران به صدور فعالیت‌های تروریستی اقدام نمی‌کند.

ما به پیگیری یک گفت و شنود سختگیرانه و مستقیم بین دو کشور ادامه خواهیم داد، و خواهیم دید ما را به کجا می‌رساند.^{۸۸}

و یا به لحن مستکبرانه وزیر امور خارجه آمریکا در این سخنان توجه کنید:

کلینتون، وزیر امور خارجه گفت، رهبران ایران «باید» به پیشنهاد پرزیدنت اوباما برای تعامل در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور پاسخ دهند. وی افزود که «دریچه فرصت به طور نامحدود باز نخواهد ماند.»

کلینتون روز ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر ۱۳۸۸) طی سخنانی در برابر شورای روابط خارجی، گفت، نه او و نه پرزیدنت اوباما، هیچکدام «توهمی در مورد این که گفت و شنود با جمهوری اسلامی تضمین کننده موفقیت است ندارند.» اما به گفته وی، هردو «اهمیت پیشنهاد تعامل با ایران و دادن فرصت یک انتخاب روشن را به رهبران ایران بین پیوستن به جامعه بین‌المللی به عنوان یک عضو مسؤؤل و یا ادامه راه به سوی انزوای بیشتر» درک می‌کنند.

به گفته کلینتون، انتخاب برای ایران روشن است. آن کشور در صورت متوقف ساختن تهدید نسبت به همسایگانش در خاورمیانه و دست برداشتن از حمایت افراط‌گرایان خشونت طلب، دارای این توانایی است که «به یک بازیگر سازنده منطقه‌ای تبدیل شود.»

وی گفت، از دیدگاه ایالات متحده، گفتگوی مستقیم «بهترین وسیله را برای ارائه و تشریح چنان انتخابی در اختیار می‌گذارد.»^{۸۹}

و در نهایت، وزیر امور خارجه آمریکا، در مورد موضوع گفتگوها نیز می‌گوید:

فکر می‌کنم که تاکید بر این نکته واجد اهمیت باشد که ما برای ایرانی‌ها روشن کرده‌ایم که هر مذاکره‌ای که ما در آن شرکت کنیم، باید به طور مستقیم به مسئله هسته‌ای بپردازد. این خواست نمی‌تواند نادیده گرفته شود. ایران می‌گوید که مسائل زیادی دارد که مایل است درباره آنها با ما صحبت کند. اما آنچه مورد علاقه ماست گفتگو با آنها در باره برنامه و بلندپروازیهای هسته‌ای آنها است.^{۹۰}

تنها با نگاهی گذرا به این سخنان سردمداران دولت آمریکا، آشکارا پیداست که منظور آنها از مذاکره، هرگز موضوعات مطرح شده توسط آقای دکتر احمدی نژاد - مانند «همفکری برای حل مشکلات جهان»، «صلح و دوستی» و... - نبوده است؛ بلکه این شیطان‌صفتان، به مذاکره، تنها به مثابه ابزاری برای گسترش

۸۸. تمام نقل قولهای این بخش، از سایت وزارت امور خارجه آمریکا است

<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/June/۲۰۰۹۰۶۱۶۱۰۵۶۳۶xjsnommis۰۹۱۶۳۰۱۹.html> .

<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/July/۲۰۰۹۰۷۱۶۱۱۳۶۵۵esnamfuak۰۷۴۱۴۲۰۹.html> .۸۹

<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/September/۲۰۰۹۰۹۱۶۱۷۵۵۷naisreP۳۶۸۰۰۵۶e-۰۲.html> .۹۰

تسلط و سیطره خود در جهان و به ذلت کشیدن نظام جمهوری اسلامی ایران می‌نگرند.

به جاست در اینجا به کلام تیزبینانه رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) اشاره کنیم که از اهداف پشت پرده حکومت‌های استکباری از پافشاری بر انجام مذاکره، پرده برمی‌دارند:

امریکاییها در اظهارات رسمی می‌گویند و اظهار می‌کنند که ما آماده‌ی مذاکره با ایرانیم. مذاکره برای چه؟ معلوم است؛ مذاکره برای این که راهی و مجرای برای فشار آوردن روی دولت ایران پیدا شود. مذاکره را برای این می‌خواهند. چه مذاکره‌ای؟! ما با شما کاری نداریم، احتیاجی به شما نداریم، ترسی از شما نداریم، هیچ محبتی به شما نداریم.^{۹۱}

این که شما می‌بینید گاهی دشمنان ما - چه دشمنان شناخته شده، مثل مستکبران عالم و قلدرهای روزگار و چه دشمنان شناخته نشده که خطرشان بیشتر است - چهره‌ی خوب نشان می‌دهند و مثل مار خوش خط و خال به صورت فریبنده به طرف انسان می‌آیند، اظهار محبت می‌کنند و می‌گویند بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است. حواستان جمع باشد.^{۹۲}

۹۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۰۸/۱۱

۹۲. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم استان چهارمحال و بختیاری و... گروهی از طلاب پاکستانی ۱۳۶۸/۰۶/۰۸

۸. ... و در نهایت، کلید خوردن اولین پلان از سناریوی مذاکره!

زمان: ۱ اکتبر ۲۰۰۹ (۹ مهر ۱۳۸۸)

مکان: ژنو، سوئیس

ما امروز مجموعاً ۷/۵ ساعت را در جلسات و دیدارهای مختلف با ایرانیان گذرانیدیم. ما نشست جامع صبح را کمی پس از ساعت ۱۰ صبح آغاز کردیم. این جلسه در حدود سه ساعت طول کشید. دکتر سولانا به عنوان سرپرست هیات نمایندگان ۵+۱ اولین سخنران این جلسه بود؛ نماینده ایالات متحده پس از سولانا صحبت کرد؛ سپس دکتر جلیلی، سرپرست هیئت ایران سخنان خود را ایراد کرد و پس از او سایر نمایندگان ۵+۱ و سایر مدیران سیاسی صحبت کردند.

سپس ما برای صرف ناهار غیررسمی تنفسی داشتیم. «ما در حدود ۴۵ دقیقه گفتگو و رایزنی های دوجانبه ای با جلیلی انجام دادیم.» مکان صرف ناهار در اتاق پذیرایی کوچکی که کنار سالن کنفرانس مذاکرات اصلی قرار دارد، بود. طی چند ساعت بعد از زمان صرف ناهار ما جلسات متعدد مذاکره و گفتگو داشتیم. گفتگوهای انجام شده در این جلسات، هم در بین اعضای ۵+۱ و هم با ایرانیان، براحتی جریان یافت.^{۹۳}

اینها سخنان یکی از مقامات ارشد گروه آمریکایی شرکت کننده در نشست ژنو برای مذاکره با ایران است که در همان روز اول اکتبر، با عنوان «برای انتشار فوری» روی سایت وزارت امور خارجه آمریکا (www.america.gov) قرار گرفت. این مقام ارشد آمریکایی ادامه می دهد:

... اما چند نکته را نیز در مورد مذاکرات حاشیه ای و جانبی با ایرانی ها باید بگویم. این، مذاکراتی مستقیم و شفاف بود. ما بر مواردی که در طی جلسات جامع بیان کرده بودیم، پای فشردیم؛ و تأکید کردیم که همه ما از برنامه اتمی ایران نگرانیم. مجدداً نیز بر لزوم برداشتن گامهای عملی توسط ایران برای عمل به تعهدات و مسئولیت های بین المللی این کشور در راستای اعتمادسازی و اثبات این موضوع که برنامه اتمی این کشور صرفاً ماهیتی صلح آمیز دارد، تأکید ورزیدیم. در حالی که موضوع اصلی مورد بحث در این مذاکرات دوجانبه برنامه هسته ای ایران بود، «گفتگوهای شفاف نیز در مورد سایر مسائل مانند حقوق بشر» داشتیم.

بنابر این در مجموع، من فکر می کنم موضوع برجسته و مهم اجلاس امروز این بود که ایران، که از ژوئیه ۲۰۰۸ از مذاکره در مورد برنامه اتمی این کشور خودداری می کرد، امروز در اجلاسی که «ایالات متحده نیز در

آن شرکت کامل داشت»، به مذاکره در مورد برنامه اتمی خود «تن در داد». ما امروز مذاکراتی را آغاز کردیم. من دیروز نیز به شما گفتم که هیچ کس انتظار ندارد که مذاکرات یک روزه ما را به رفع نگرانی‌های بین‌المللی در مورد برنامه اتمی ایران قادر سازد، اما من فکر می‌کنم که امروز «اولین مرحله» در مسیری بود که قطعاً یک فرایند دشوار خواهد بود.^{۹۴}

هرچند آقای جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی - در پاسخ به سؤال خبرنگاری که درباره محتوای مذاکراتش با معاون وزیر امور خارجه آمریکا سوال کرد - اینگونه پاسخ داد:

در مذاکرات ژنو، بحث در باره بسته پیشنهادی بود که در دو نوبت صبح و عصر برگزار شد و در حاشیه نهار نیز همه کشورهای طرف گفت و گو در باره مسایل بسته گفتگو می کردند و سؤال‌هایی را که داشتند، مطرح می‌ساختند.^{۹۵}

اما مسئولان آمریکایی برداشت دیگری از این اتفاق داشتند:

ایان کلی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در ۱ اکتبر در واشنگتن به خبرنگاران گفت که سعید جلیلی، نماینده ایران، در حاشیه نشست ژنو با ویلیام برنز، سرپرست هیئت آمریکا و معاون وزیر خارجه در امور سیاسی، ملاقات رو در رو داشت.

... وی افزود: «بعد از سال‌ها، این اولین ملاقات رو در روی ما با مسئولان ایران بود، بنا بر این، از فرصت استفاده کردیم تا بر این مسئله مهم [تشریح موضع خودمان در موضوع هسته‌ای ایران و بیان محکمتر نگرانی‌های جهانی] پافشاری کنیم.»^{۹۶}

دکتر احمدی نژاد نیز روز ۱۵ مهرماه، در جمع خبرنگاران، پس از جلسه هیأت دولت، نشان داد که برداشتی مشابه از این دیدار داشته است:

دکتر احمدی نژاد در پاسخ به سوالی درباره گفتگوی نمایندگان ایران و آمریکا در حاشیه مذاکرات ژنو، با تأکید بر اینکه ایران برای گفتگو با کشورها به غیر از رژیم صهیونیستی محدودیتی ندارد، تصریح کرد: مذاکرات ایران و آمریکا در ژنو بر اساس درخواست نماینده آمریکا انجام شده و برپایه احترام و عدالت و با موضوع خلع سلاح جهانی و بهره‌مندی همه ملت‌ها از فناوری‌های هسته‌ای و پیشرفته براساس بسته پیشنهادی ایران بوده است.^{۹۷}

اگر ما هیچیک از اخبار و مطالب فوق که در نهایت منجر به پذیرش شرکت ایران در مذاکرات ژنو شد را نیز نمی‌دانستیم، ملاک و میزانی که حضرت امام (قدس سره) بارها بر آن تأکید فرمودند، می‌توانست صحت یا اشتباه بودن اتفاقات رخ داده در این نشست را بر ما آشکار سازد؛ ایشان می‌فرمودند تأیید و رضایت دشمن نشانه خطای شماست؛ همان مضمونی که در آخرین سخنرانی رهبر معظم انقلاب در جمع مردم چالوس و نوشهر دوباره بر آن تأکید شد:

۹۴. همان

۹۵. <http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=۷۱۱۲۶۳>

۹۶. به نقل از سایت وزارت امور خارجه آمریکا - <http://www.america.gov/st/peacesec-۱۱۰۰۲۱۶۲۳۵/October/۲۰۰۹/persian/html?CP.rss=true&۱۳۸۳۳۱esnamfuak۲۰۰۹۱۰۰۲۱۶۲۳۵/October/۲۰۰۹/persian/>

۹۷. <http://www.president.ir/fa/?ArtID=۱۸۱۳۴>

اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط می‌رویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین می‌کند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین می‌شود، از موفقیت‌های شما خشمگین می‌شود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین می‌شود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین می‌شود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین می‌کند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف می‌کند، ذوق‌زده می‌کند، سعی می‌کند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها می‌شود آن اشتباه را برطرف کرد.^{۹۸}

و اما بشنوید از استقبال گسترده سردمداران کاخ سفید از این اقدام:

پرزیدنت اوباما نخستین روز گفتگوهای میان ایران و نمایندگان پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد به علاوه آلمان (گروه موسوم به ۱+۵) را "آغاز سازنده" ای دانست ولی یادآور شد که دولت ایران باید وعده‌های همکاری را با "عمل سازنده" دنبال کند.^{۹۹}

کلینتون: مذاکرات با ایران سازنده بود. ما برای صرف مذاکره گفت‌وگو نمی‌کنیم. ما خواهان اقدامات محسوس و نتایج مثبت هستیم.^{۱۰۰}

راديو فرانسه نیز با پوشش گسترده مذاکرات ژنو، به طرح دیدگاههای مقامات آمریکایی در این خصوص پرداخت؛

خانم هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه، و رابرت گیتس، وزیر دفاع، ایالات متحده آمریکا در روز دوشنبه گفتگوهای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو گروه (۱+۵) در ژنو را گفتگوهایی مثبت خواندند.

خانم کلینتون که در کنار رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا در یک مصاحبه تلویزیونی با شبکه سی.ان.ان. سخن میگفت گفت همانطور که باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، و خود او و دیگر مقامات آمریکایی تصریح کرده اند، این ها نقطه پایان نیست. کلینتون تأکید کرد که آمریکا در انتظار بیشتر از این‌هاست!^{۱۰۱}

ابراز خرسندی سران کشورهای فرانسه، انگلیس، سوئیس، آلمان و روسیه از روند برگزاری اجلاس ژنو، در کنار تحلیل «G ۸» از همراهی با آمریکا(!) برای مذاکره مستقیم با ایران،^{۱۰۲} نشان از طراحی نقشه‌ای در پس ظاهر فریبنده این مذاکرات دارد.

۹۸. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۵/۰۷/۱۳۸۸

۹۹. از سایت وزارت امور خارجه آمریکا - <http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/October/۲۰۰۹۱۰۰۲۱۶۲۳۵esnamfuak۰,۱۳۸۴۳۱.html>

۱۰۰. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۸۰۷۰۹۰۷۸۷>

۱۰۱. http://www.rfi.fr/actufa/articles/۱۱۸/article_۸۷۶۶.asp

۱۰۲. از سایت وزارت امور خارجه آمریکا <http://www.america.gov/st/peacesec-persian/۲۰۰۹/July/۲۰۰۹۰۷۲۲۱۰۳۹۱۹emffen۰,۱۸۲۰۳۳۷.html>

سؤالاتی بی‌پرده؛ پاسخ‌هایی صریح

چرا موضوع مذاکره را تا این حد مهم می‌دانید و این قدر به آن گیر می‌دهید؟! این هم یک موضوع است مثل دیگر مسائل سیاسی!

شما روی مطالبی که عرض می‌کنم، فکر کنید؛ مخصوصاً شما جوانان تحصیلکرده، دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب علوم دینی، درست دقت و تأمل کنید؛ چون اینها مسائل مهمی است.

این که دائماً می‌گویند ایران می‌خواهد با امریکا مذاکره کند؛ ایران می‌خواهد به تدریج رابطه با امریکا برقرار کند، هدفشان از این حرف‌ها چیست؟... یک ملت هم غالباً در همین جاهای علی‌الظاهر کوچک است که سرنوشتش ساخته می‌شود. اگر مردم، جوانان، مسؤولان و دیگران درست نفهمیدند که حقیقت قضیه چیست، زاویه‌ای باز می‌شود که خدای نخواستہ همین زاویه، به فنای همه چیز منتهی خواهد شد. معمولاً این طور است؛ لذا خیلی مهم است که درست دقت شود.^{۱۰۳}

واقعاً چرا مذاکره و رابطه با آمریکا غلط است؟

اول باید دانست که چرا اینقدر آمریکا برای بحث مذاکره اهمیت قائل است؟!

اصل مذاکره با ایران، برای امریکا به عنوان ابرقدرت، بسیار مهم است. ممکن است بعضی تعجب کنند و بگویند مگر ایران چیست که برای امریکای ابرقدرت، مهم است که با ایران پشت میز مذاکره بنشینند؟! بله، بسیار مهم است. اتفاقاً چون ابرقدرت است، برایش خیلی مهم است. ابرقدرت، یعنی آن قدرتی که از همه‌ی قدرتهای سیاسی دنیا بالاتر است و می‌تواند اراده‌ی خود را بر آنها تحمیل کند.

حال ابرقدرتی با این همه ادعا، با این همه باد و بروت جهانی و سیاسی، یک جا هست که برایش ارزش و اعتبار و احترامی قائل نمی‌شوند؛ آن یک جا کجاست؟ جمهوری اسلامی ایران. جمهوری اسلامی و ملت ایران، هیبت‌شکن ابرقدرت امریکا در دنیا شدند. من بارها عرض کرده‌ام که عمده‌ی قدرت ابرقدرتها، متکی به هیبتشان است؛ هیبت آنهاست که می‌تواند کار کند. اینها همه‌جا که وارد میدان نمی‌شوند، تیر و تفنگ که به کار نمی‌برند؛ تشر و هیبتشان است که رؤسای دولتها و رؤسای احزاب سیاسی دنیا را وادار می‌کند که دست و پایشان در مقابل اینها بلرزد و کوتاه بیایند.

برای امریکا مهم است که ایران اسلامی که از روز اول به دلایل روشنی در مقابل امریکا ایستاد و تسلیم امریکا نشد و گفت که با امریکا مذاکره نمی‌کنم، حالا بگویند که بسیار خوب، چشم، ما هم مذاکره می‌کنیم! می‌گویند بفرما، ابرقدرتی کامل شد! این منطقه‌ای هم که زیر بار نمی‌رفت، زیر بار آمد؛ این جا هم عتبه را بوسیدند! بنابراین، صرف مذاکره برایشان خیلی مهم است.

البته در مورد رابطه، این طور نیست؛ بعد خواهیم گفت. امریکاییها نسبت به رابطه، طور دیگری فکر می‌کنند. آن چه که برای آنها خیلی مهم است، مذاکره است. می‌خواهند ایران پشت میز مذاکره بنشیند؛ بعد که مذاکره شروع شد، آن وقت سر رابطه داستانها و حکایتها دارند.

نکته‌ی دوم برای این که مذاکره‌ی با ایران برای امریکا اهمیت دارد، این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه‌ی دنیا بیدار شود؛ در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام، احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه‌ی را به نحوی شروع کنند. بعضی از این مبارزات، مبارزات سیاسی با دولتهاست. بعضی از این مبارزات، مبارزات اصلاحی است؛ بالاخره مشغول مبارزه هستند. همه‌ی اینها، از این قله‌ی جمهوری اسلامی و امام و این ملت، سرازیر شده‌اند.

اگر جمهوری اسلامی با امریکا پشت میز مذاکره بنشیند، امریکاییها خیالشان از این جهت راحت می‌شود؛ به هر جایی در دنیا می‌گویند: شما برای چه تلاش می‌کنید؟ شما که مثل ایران نخواهید شد، به پای ایران که نخواهید رسید! هر چه بشوید، یک ملت و یک نظام و آن شکوه و شجاعت را که پیدا نخواهید کرد؛ آنها هم بالاخره مجبور شدند و این جا پای میز مذاکره آمدند؛ شما دیگر چه می‌گویید؟! یعنی با تسلیم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران به نشستن پای میز مذاکره با امریکا، خیال امریکا از بسیاری از این مبارزات دنیای اسلام آسوده خواهد شد.^{۱۰۴}

خوب، شاید تأمین منافع داخلی‌مان ارزش آن را داشته باشد که از برخی شعارها کوتاه بیایم!

صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی میکند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیری‌های انقلاب است؛ به ارزش‌ها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی - بعد دینی - را از انقلاب جدا کنند یا بعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدف‌های انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه‌ی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.^{۱۰۵}

رابطه‌ی سیاسی با آمریکا برای ما مضر است؛ اولاً خطر آمریکا را کم نمی‌کند. آمریکا به عراق حمله کرد؛ در حالی که با هم رابطه‌ی سیاسی داشتند، سفیر داشتند؛ این آنجا سفیر داشت، آن هم اینجا سفیر داشت. رابطه که

۱۰۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

۱۰۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۰۳/۱۴

خطر جنون آمیز و سیطره طلبانه‌ی هیچ قدرتی را از بین نمی‌برد. ثانیاً وجود رابطه برای آمریکائی‌ها - نه امروز، همیشه این‌طور بوده - وسیله‌ای بوده است برای نفوذ در قشرهای مستعد مزدوری در آن کشور. انگلیسی‌ها هم همین‌طور بودند. انگلیسی‌ها هم در طول سالیان متمادی سفارتخانه‌شان مرکز ارتباط با سفلگان ملت بود؛ کسانی که حاضر بودند خودشان را به دشمن بفروشند. سفارتخانه‌ها یکی از کارهایشان این است. در همین قضایائی که حدود هفده هجده سال پیش در چین اتفاق افتاد و جنجال فوق‌العاده‌ای شد، سفارت آمریکا محور و مرکز اداره‌ی آشوب‌ها و اغتشاش‌ها بود. اینها این‌خلاف را در ایران دارند؛ احتیاج به پایگاه دارند، و پایگاه ندارند؛ این را می‌خواهند. احتیاج به رفت و آمد آزاد و بی‌دغدغه‌ی مأموران جاسوسی و مأموران اطلاعاتی‌شان و ارتباطات نامشروع آنها با عناصر سفله و مزدور دارند؛ اما این را ندارند. ارتباط، این را برای آنها تأمین می‌کند.^{۱۰۶}

شاید نشان دادن تغییری در تاکتیک مبارزه و پذیرش مذاکره، آنها را از موضع دشمنی‌شان پایین آورد.

دشمنی آمریکائی‌ها تابع این الفاظ و تعبیرات نیست؛ دشمنی، دشمنی اصولی است. این دشمنی در زمان‌های مختلف بوده. از اول انقلاب تا حالا دشمنی بوده حداقل در طول هجده سال اخیر، یعنی از بعد از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله تا امروز، همیشه این خطر وجود داشته؛ یعنی همیشه ملت ایران تهدید می‌شده، که ممکن است اینها حمله‌ی نظامی بکنند؛ مال امروز نیست. آن چیزی که می‌تواند خطر دشمن را ضعیف کند، نمایش قدرت شماست، نه نمایش ضعف شما. نمایش ضعف شما دشمن را تشجیع می‌کند. آن چیزی که ممکن است جلوی خودسری و خودکامگی دشمن را بگیرد، این است که احساس کند شما قدرتمندید؛ اگر احساس کند ضعیفید، بدون مانع، هر کاری که بخواهد بکند، می‌کند.^{۱۰۷}

آیا این درست است که کسی تصور کند موضعگیری ما در مقابل قدرتهای استکباری عالم، یک موضعگیری موسمی یا مصلحتی یا تاکتیکی است، یا نه؟! البته که این تصور غلطی است. معنا و مفهوم استکبار، یک مفهوم قرآنی است و چیزی نیست که بی‌خود و بی‌دلیل، در فرهنگ انقلاب ما به وجود آمده باشد. مفهوم استکبار، مقابله با استکبار را از سوی مسلمین و مؤمنین و نظام و انقلاب اسلامی اقتضا می‌کند؛ آن هم نه به صورت مصلحتی و موسمی و تاکتیکی؛ بلکه به صورت همیشگی این مقابله وجود دارد. ذات انقلاب این است و تا انقلاب هست، چنین چیزی هم خواهد بود.^{۱۰۸}

حداقل فایده‌ مذاکره، رفع تهدید و فشار قدرتی است که حرف اول را در نظام جهانی می‌زند!

مرعوب شدن از توانایی‌ها و اقتدارات امریکا، چیز بسیار غلطی است. خیلی از کشورها هستند که وابسته‌ی به امریکا و مراود با او هستند؛ سران آنها، دوستان امریکا هستند و در آن کشورها، اجازه‌ی کمترین اهانتی به امریکا داده نمی‌شود. امریکا، برای آن کشورها چه کار کرد؟ کدام مشکل آنها را برطرف کرد؟ کدام نقطه‌ی کور زندگی آنها را باز نمود؟ کدام ثروت را روی سرشان ریخت؟ کدام خیر را به طرف آنها سرازیر کرد؟ چرا نسبت به اقتدارات امریکا مرعوب می‌شوید؟

به عکس، آن کشورهایی که در خانه را به روی این دزد خائن باز گذاشتند، وارد شد و هرچه بود، برد. اگر اعتباری

۱۰۶. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳/۱۰/۱۳۸۶

۱۰۷. همان

۸۴. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ۱۰/۸/۱۳۶۸

داد، برای این داد که با آن اعتبار، به بازارهای خود او بروند و دولاً پهنای قیمت را حساب کنند، جنس بخرند، تا کارخانه‌هایش بچرخد. اگر وام داد، برای این داد که با آن وام بروند محصولات خودش یا هم‌پیمانانش را بخرند. اگر سلاح داد، برای این داد که از دشمنان او - نه دشمنان خودشان - با این سلاح دفاع کنند. نمونه اش، رژیم گذشته‌ی ماست.

این طور نیست که اگر امریکا با کشوری بد بود، آن کشور دیگر نتواند در دنیا نفس بکشد، و اگر خوب بود، آن کشور دیگر خیالش آسوده باشد. خود امریکایی‌ها، این گونه تبلیغ و وانمود می‌کنند که اگر کشوری با آنها بد باشد، تمام راهها به روی او بسته خواهد بود. نه، این طور نیست. یازده سال است که شعار «مرگ بر امریکا» از دهان مردمان نیفتاده، راهها هم روی ما بسته نبوده است. اگر ما تلاش و همت کردیم، توانستیم راه خودمان را باز کنیم. مگر دنیا متعلق به امریکاست؟! این زورگویان قلدر متکبر فاسد که ادعای مالکیت دنیا را می‌کنند، چه کسانی هستند؟ غلط می‌کنند. اگر اینها با کسی دوست بودند، خیرات و برکات بر سر آن ملت نازل نخواهد شد. اینها با مردمی که دوست هستند، مایه‌ی بدبختی و روسیاهی آن ملت می‌شوند.^{۱۰۹}

بالاخره ما که نمی‌توانیم قدرت جهانی امریکا را نادیده بگیریم؛ تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی که تعارف نیست!

کسی که خیال کند اگر ما با امریکا مذاکره کردیم، محاصره‌ی اقتصادی و قانون «داماتو» و... از بین خواهد رفت، اشتباه کرده است. اولاً هر کدام از رفتارهای امریکا با ایران، بعد از مدتی محکوم به شکست شده است. مگر بار اولی است که اینها این طور با ما رفتار می‌کنند؟ مگر بار اولی است که تهدید می‌کنند؟ مگر بار اولی است که محاصره‌ی اقتصادی می‌کنند؟ مگر بار اولی است که اینها راه می‌افتند و به این کشور و آن کشور می‌گویند که شما با ایران فلان معامله را نکنید، یا فلان قرارداد را نبندید؟ بار اول که نیست؛ همیشه این طور کرده‌اند. ما در این هجده سال، همه‌ی پیشرفت‌هایی که به دست آورده‌ایم؛ همه‌ی کارهای برجسته‌ای که دولت‌های ما در این چند سال کرده‌اند، در همان حالی بوده که امریکا نمی‌خواست است. مگر به خواست امریکاست؟!^{۱۱۰}

شاید اصل عدم مذاکره، در شرایطی قابل نقض باشد؛ مثل ماجرای «صلح حدیبیه»!

این قضیه را، هم «غزوه‌ی حدیبیه» گفته‌اند، هم «صلح حدیبیه». اگرچه جنگی واقع نشد، اما حرکتی که اتفاق افتاد، از یک جنگ بزرگ دارای آثار بیشتری بود؛ برکات آن و کیفیت رویارویی، یک برکت و کیفیت استثنایی بود. در این حادثه، کفار قریش با تجهیزات، با سلاح، با مردان جنگی و با پیش‌بینیهای لازم، به سراغ مسلمانانی آمدند که با خودشان سلاح بر نداشته بودند و فقط به قصد مشرف شدن به عمره و زیارت خانه‌ی خدا به راه افتاده بودند. نتیجه به جنگ نینجامید و برکات زیادی بر این رویارویی صلح آمیز مترتب شد. خدای متعال به مسلمانان این طور می‌فرماید که اگر سروکار شما با کفار و مشرکان، به جنگ و شمشیر هم کشیده می‌شد، شما آنها را مغلوب می‌کردید. این سنت الهی است؛ این قانون لایتخلف پروردگار در عالم آفرینش است؛ «ولو قاتلکم الذین کفروا لولوا الادبار ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا سنه الله التی قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبدیلاً».^{۱۱۱}

۱۰۹. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و ... ۱۳۶۹/۰۲/۱۲

۱۱۰. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

۱۱۱. بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۰۳/۱۴

بعد از آن که رسول اکرم و مسلمانان به قصد مکه به حدیبیه رفتند و در حدیبیه متوقف شدند، دشمن می‌خواست جنگ را بر آنها تحمیل کند، اما تدبیر الهی نبی اکرم نگذاشت و بدون جنگ برگشتند و پیامبر به قراردادی با مشرکین رسید که این قرارداد آن قدر مهم بود که بنابر روایاتی، سوره‌ی «انا فتحنا» درباره‌ی همین قرارداد حدیبیه نازل شده و از آن به فتح تعبیر شده است: «أَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»^{۱۱۳} - یعنی همین صلح حدیبیه - آن حضرت در خلال آیات قرآن، اوضاع را برای مسلمانان روشن می‌کند و جبهه‌ها را مشخص می‌نماید.^{۱۱۳}

در خصوص ماجرای حدیبیه، آیات قرآن تصریح دارند که علت دستور الهی به پیامبر مبنی بر عقد قرارداد با مشرکان قریش، حفظ جان مردان و زنان مؤمنی بود که در مکه بودند و مخفیانه به اسلام گرویده بودند.^{۱۱۴}

پس به تصریح قرآن، ماجرای حدیبیه شرایطی استثنایی بود و قاعده‌ای کلی برای شرایط دیگر نیست؛ و حداکثر در شرایط مشابه - یعنی شرایطی که در آن جان مؤمنان در خطر باشد، آن‌هم به دستور ولی و حاکم جامعه اسلامی - قابل استناد است.

یعنی امکان ندارد یک روزی بیاید که مذاکره برای ما مفید باشد؟

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرجع تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نظام، شخص رهبری معظم انقلاب است^{۱۱۵}؛ لذا در موقعیت فعلی نیز، تشخیص ضرورت و تعیین شرایطی که در آن باید به مذاکره با دشمن استکباری اقدام کرد، به عهده رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) است؛ همان‌طور که خود معظم له در جمع دانشگاهیان یزد به این نکته تصریح فرمودند:

می‌نشینند آقایان ... حرف زدن و استدلال کردن، که نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مضر است. نه آقا! نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مفید است. آن روزی که رابطه‌ی با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم.^{۱۱۶}

۱۱۲. فتح: ۱

۱۱۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۰۴

۱۱۴. « وَ هُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ...الآیه» (فتح، ۲۲-۲۵): اگر کفار با شما جنگ کنند یا به فرار خواهند گذاشت و دیگر سرپرست و یابوری نخواهند یافت (۲۲) این سنت خدا است که تا امروز همواره جریان داشته و تو هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت (۲۳) و او همان کسی است که در درون مکه در زیر پنجه دشمن دست کفار را از شما و دست شما را از ایشان کوتاه کرد بعد از آنکه در جنگ‌های قبلی شما را بر آنان پیروزی داد و خدا بدانچه می‌کنید بینا است (۲۴) اما اینکه دست شما را از ایشان کوتاه کرد با اینکه اینان همانهایی هستند که کفر ورزیدند و از ورود شما به مسجد الحرام جلوگیری نمودند و نگذاشتند قربانیهای شما به قربانگاه برسند برای این بود که خون مردان و زنان مؤمن را که در بین کفار هستند و شما نمی‌شناسید حفظ کند و دست شما به خون آن بی‌گناهان آلوده نگشته، در نتیجه بدون آگاهی به آثار سوء آن گرفتار نشوید تا خدا هر که را بخواهد داخل در رحمت خود کند و الا اگر آن مؤمنین ناشناخته از بین کفار جدا شده بودند ما کفار را به عذابی دردناک گرفتار می‌کردیم (۲۵) (تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۲۹)

۱۱۵. <http://alef.ir/content/view/28763>

۱۱۶. بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه‌های یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

خوب، ممکن است این یک سیاست باشد که رهبر انقلاب در ظاهر با آمریکا ابراز دشمنی کند؛ اما در خفا به دکتر احمدی نژاد مأموریت داده باشند که این موضوع را پیگیری کنند.

من آنچه که در سخنرانیها بیان می‌کنم، لب نظراتم است. اساسیترین نظراتم همانهایی است که شما در سخنرانیها از من می‌شنوید. هیچ نظری درباره‌ی مسائل جاری کشور و مسائل اسلام و مسلمین و مسائل اجتماعی وجود ندارد که من آن را درگوشی به کسی بگویم و نشود آن را در علن گفت. نظرات من، نظراتی شفاف و روشن است که در خطبه‌ی نماز جمعه و در سخنرانی با گروههای مختلف، شما اینها را می‌شنوید.^{۱۱۷}

مطالبی که من در جلسات عمومی می‌گویم و پخش می‌شود، همان حرفهای ماست. به مسؤولان هم که می‌گوییم، همین حرفهاست؛ با مردم هم که صحبت می‌کنیم، همین حرفهاست.^{۱۱۸}

آن حرفهایی که ما می‌خواهیم به گوش مردم برسانیم، حرفهای اصلی ماست. حرفهایی نیست که در یک چهار دیواری به افراد می‌زنیم؛ همانهایی است که در بلندگو می‌گوییم و در همه جای کشور پخش می‌شود.^{۱۱۹}

آخر مشکل آمریکا با ما چیست که نمی‌شود آن را با گفتگو حل کرد؟!

عمده‌ی دشمنی آمریکا با ایران اسلامی، به خاطر دو چیز است: یکی تمسک به اسلام، دیگری موضع‌گیری قاطع در مقابل قضیه‌ی فلسطین. این را همه‌ی شما بدانید، همه در دنیا بدانند. علت این که آمریکا در مقابل ایران اسلامی، این‌طور گستاخ، جری، خشمگین و عنود قرار می‌گیرد، این دو مسأله است: اسلام و موضع در مقابل قضیه‌ی فلسطین؛ موضع صریح و قاطع، که از روز اول انقلاب تا امروز تغییر نکرده است و روزه روز روشن‌تر و واضح‌تر هم شده است. تمام فشارها بر ایران اسلامی، برای این دو چیز است: دست برداشتن از اسلام و انصراف از حاکمیت احکام مقدس اسلامی و تغییر موضع در مقابل قضیه‌ی فلسطین. تا این مواضع ما هست، آمریکا دلش با ما صاف نخواهد شد. این لحن‌های علی‌الظاهر ملایمی هم که این اواخر مشاهده می‌شود، یک مقدار کار سیاسی معمولی منافقانه است؛ مقداری هم بر اثر تحلیل غلط اوضاع داخلی ایران است. نمی‌فهمند در ایران چه می‌گذرد؛ تحلیل‌های غلطی می‌کنند، برداشت‌های غلطی می‌کنند، تقسیم‌های غلطی می‌کنند.^{۱۲۰}

اینها می‌دانند حاکمیت اسلام دو خصوصیت قطعی دارد: اول اینکه ممکن است - این نکته‌ی مهمی است - اگر ممکن نبود، این قدر با آن دشمنی نمی‌کردند؛ می‌گفتند خودش تمام می‌شود؛ اما می‌دانند این همان شجره طیبه‌ی ای است که «أصلها ثابتٌ و فرعها فی السماء توتی أكلها كلٌ حينٍ بإذن ربها».^{۱۲۱} خصوصیت دوم این است که اگر این حاکمیت تحقق پیدا کند، قطعاً اهداف استکباری آنها برآورده نخواهد شد. همه‌ی حکومت‌های انقلابی دیگر این خصوصیت دوم را ندارند؛ این مخصوص اسلام است. البته آن را به جزمی‌گری و عدم انعطاف متهم می‌کنند؛ اما این حقیقت قضیه است. در حالی که اسلام تساهل، انعطاف، کمک به دشمن، ارتباط با دوست و مراعات مصلحت دارد، اما این را هم حتماً دارد. انگیزه‌ی استکباری، نمی‌خواهد این جا دولتی باشد که با دولتی دیگر از لحاظ سیاسی گاهی انعطاف کند، گاهی این چیزی بدهد، گاهی آن چیزی بدهد. این چیزی

۱۱۷. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۰۲/۲۲

۱۱۸. بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور ۱۳۸۲/۱۰/۲۲

۱۱۹. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

۱۲۰. بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۷۷/۰۴/۲۱

۱۲۱. آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه‌ی آن (در زمین) ثابت، و شاخه‌ی آن در آسمان است؟! هر زمان خود را به اذن پروردگارش میوه می‌دهد (ابراهیم: ۲۴ و ۲۵)

است که اسلام و حکومت اسلامی به هیچ قیمتی آن را نمی پذیرد و تحمل نمی کند. لذا با آن مبارزه می کند.^{۱۲۲}

مسئله‌ی ما با آمریکا این نیست که حالا بر سر دو تا موضوع جهانی یا بین‌المللی یا منطقه‌ای با هم اختلاف نظر داریم، برویم بنشینیم با مذاکره حل کنیم. مسئله مثل مسئله‌ی مرگ و زندگی است؛ مسئله‌ی هست و نیست است. این نکته‌ی دوم، که این را شما جوان‌ها بدانید؛ ما اهل ستیزه‌گری نیستیم؛ اما اهل حفظ هویت خود، استقلال خود، عزت خود هستیم. هر کسی که عزت ملت ایران را بخواهد پایمال کند، ملت ایران را تحقیر کند، بخواهد دست سلطه را بر این ملت دراز کند، ملت ایران با غیرت خود، با ایمان خود این دست را قطع می کند.^{۱۲۳}

اگر انقلاب اسلامی - به فرض محال - متعرض امریکا هم نمی شد، آن قدر فشار و حيله و خدعه از طرف استکبار و امریکا، علیه این انقلاب و نظام انجام می گرفت، تا یا منحرفش کنند و یا به کلی نابودش نمایند. این، روش امریکا و استکبار در مقابل انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی با جوهر و طبیعت و ماهیت اسلامی خود، چنین خصومت و دشمنی‌یی را از طرف استکبار اقتضا دارد.^{۱۲۴}

مگر عدم مذاکره با آمریکا وحی مُنزل است که این قدر روی آن اصرار دارید؟!

ما با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، با مطالعه‌ی همه‌ی تجربه‌های کشور خود و کشورهای همسایه و با مشورت با صاحب‌نظران عمده و دارای رأی، به این نتیجه می‌رسیم که نه فقط رابطه با امریکا، بلکه مذاکره با دولت امریکا امروز برخلاف مصالح ملی و منافع ملت است.

این یک نظر متعصبانه نیست؛ این یک اندیشه و فکر است؛ بررسی شده و با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب است. مذاکره با امریکا - چه در قضایای کنونی و چه در مسائل دیگر - به معنای باز کردن باب توقعات و طلبکاری‌های امریکاست. کسانی که دم از مذاکره می‌زنند - که البته سوء نیت ندارند، دچار غفلتند - توجه ندارند که مذاکره با امریکا در هر یک از قضایایی که این دولت در آن برای خودش ایده و منفعتی تعریف کرده است - مثل همین قضیه‌ی افغانستان - هیچ فایده‌ای ندارد. چرا؟ چون او مستکبر است و تسلیم نمی‌شود.^{۱۲۵}

همه‌ی حرف‌هایی را که گفتیم، خدای متعال صد برابر آن را در یک کلمه از آیه‌ی قرآن فرموده است: «فَلَا تَهِنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ»^{۱۲۶} مبدا سست شوید و دعوت به سازش کنید یا دعوت سازش دشمن آشستی ناپذیر را بپذیرید. سازش با انسانهای خوب، حتی سازش با انسانهایی که با شما کاری ندارند؛ عیبی ندارد. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»^{۱۲۷} با همه‌ی کسانی که با شما کاری ندارند و اهل صلح و سلامت و اخوت و برادری هستند، سازش کنید؛ اما با کسی که با فلسفه‌ی وجودی و اساس و ایمان شما و با اصل حکومت اسلامی و ولایت الهی مخالف است؛ «تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ»؛ سازش نکنید. حواستان جمع باشد. کدام صحنه‌ی عبرت و درسی بهتر و بیشتر از این می‌تواند با انسان حرف بزند؟^{۱۲۸}

۹۸. بیانات در دیدار رئیس مجلس سودان ۱۳۷۸/۳/۳۱

۱۲۳. دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان و تشکلهای مختلف دانشگاهی در آستانه‌ی سالروز سیزده آبان ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

۱۲۴. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار) ۱۳۶۸/۰۸/۱۰

۱۲۵. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۰۸

۱۲۶. پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند! (محمد: ۳۵)

۱۲۷. خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت‌پیشگان

را دوست دارد. (ممتحنه: ۸)

۱۲۸. بیانات در دیدار با فرماندهان و مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۹/۰۶/۱۳۷۴

خوب؛ وظیفه مسؤلان در بحث رابطه و مذاکره روشن شد؛ آیا مردم و نخبگان هم در این راستا وظیفه‌ای دارند؟

این که شما می‌بینید گاهی دشمنان ما - چه دشمنان شناخته شده، مثل مستکبران عالم و قلدرهای روزگار و چه دشمنان شناخته نشده که خطرشان بیشتر است - چهره‌ی خوب نشان می‌دهند و مثل مار خوش خط و خال به صورت فریبنده به طرف انسان می‌آیند، اظهار محبت می‌کنند و می‌گویند بیایید با هم دست بدهیم، بدانید این یک حمله و تهاجم خصمانه است. حواستان جمع باشد. نباید کینه‌ی دشمن از دلتان خارج شود... نباید کینه‌ی این دشمن از دلتان خارج بشود. اگر احساس کردید که نسبت به این دشمن، در دلتان بغض و کینه کم شد، این یک علامت خطر شخصی برای شماست؛ باید احساس کنید مثل این که درجه‌ی ایمان در حال تنزل است. عیناً مثل محبت بندگان خدا که باید روزبه‌روز در دل قوی‌تر و ریشه‌دارتر بشود. اگر به شیطان کینه و دشمنی نورزید، او می‌آید و راه شما به طرف خدا را سد خواهد کرد. این چیزی است که دیگر قابل جبران نیست. بنابراین... باید آحاد مردم از کوچک و بزرگ، بغض و کینه داشته باشند و آن را به یکدیگر نیز توصیه کنند.^{۱۳۹}